

درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۶. شاخص‌های ارزیابی تحقق
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
(ویرایش اول)

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۴	۲. مروری بر ادبیات شاخص‌سازی
۴	۲-۱. تعریف شاخص
۴	۲-۲. ویژگی‌های شاخص
۶	۲-۳. انواع شاخص‌ها
۹	۲-۳-۱. شاخص‌های تغییرات و ارزیابی و سنجش
۱۰	۲-۳-۲. شاخص‌های ارزیابی و سنجش
۱۰	۳. شناسایی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی
۱۰	۳-۱. اقتصاد دانش‌بنیان
۱۱	۳-۱-۱. پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان
۱۳	۳-۱-۲. محوریت رشد بهره‌وری در اقتصاد
۱۴	۳-۱-۳. تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد
۱۵	۳-۲. اصلاح الگوی مصرف و هدفمندی یارانه‌ها
۱۶	۳-۲-۱. اصلاح الگوی مصرف خانوار
۱۷	۳-۲-۲. بهینه‌سازی مصرف سوخت
۱۸	۳-۲-۳. بهینه‌سازی مصرف آب
۱۸	۳-۲-۴. بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های صنعت و کشاورزی
۱۹	۳-۲-۵. بهینه‌سازی تولید برق
۲۰	۳-۳. امنیت غذا و کالاهای اساسی
۲۰	۳-۳-۱. افزایش تولید محصولات و نهاده‌های اساسی وارداتی
۲۱	۳-۳-۲. تنوع‌بخشی به مبادی واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی
۲۲	۳-۳-۳. کاهش وابستگی به کشورهای خاص در نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی
۲۲	۳-۳-۴. افزایش حجم و بهبود بازده ذخایر راهبردی غذایی
۲۳	۳-۳-۵. رفع انحصار در مبادیان واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی
۲۴	۳-۴. نظام پولی (ریالی و ارزی) و مالی
۲۴	۳-۴-۱. ایجاد ثبات در اقتصاد ملی
۲۷	۳-۴-۲. پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد
۳۰	۳-۴-۳. شاخص‌های معطوف به بازار سرمایه
۳۱	۳-۵. صادرات، مناطق آزاد، دیپلماسی اقتصادی

- ۳۲-۵-۱. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات.....
- ۳۵-۵-۲. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور.....
- ۳۶-۶-۳. نفت، گاز و حوزه انرژی.....
- ۳۷-۶-۱. قطع وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی در بلندمدت.....
- ۳۸-۶-۲. کاهش ضربه‌پذیری ناشی از درآمد حاصل از صادرات خام نفت و گاز در کوتاه‌مدت.....
- ۴۲-۶-۳. اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز.....
- ۴۵-۶-۴. تکمیل زنجیره ارزش افزوده نفت و گاز.....
- ۴۷-۷-۳. بودجه، هزینه‌های دولت، مالیات.....
- ۴۷-۷-۱. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور و حذف هزینه‌های زائد.....
- ۵۱-۷-۲. اصلاح نظام مالیاتی برای بهبود وضعیت درآمدهای دولت.....
- ۵۲-۸-۳. شفافیت اطلاعات و سلامت اقتصادی.....
- ۵۳-۸-۱. شفافیت انواع اوراق مالی.....
- ۵۴-۸-۲. شفافیت نظام ارزی.....
- ۵۵-۸-۳. شفافیت نظام بانکی.....
- ۵۷-۸-۴. شفافیت نظام مالیاتی.....
- ۵۸-۸-۵. شفافیت گردش مالی دولت و سازمان‌های دولتی.....
- ۵۸-۸-۶. شفافیت در حوزه زمین.....
- ۵۹-۸-۷. اطلاع دادرسی در پرونده‌های قضایی.....
- ۵۹-۹-جمع‌بندی.....
- ۶۰-۱۰-جداول شاخص‌های اقتصاد مقاومتی.....
- ۷۲-۱۱-منابع و مآخذ.....



درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۶. شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ویرایش اول)

چکیده

یکی از الزامات نظارت بر چگونگی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تعیین شاخص‌هایی است که بتواند میزان دوری یا نزدیکی در هر دوره را با اهداف مندرج در سیاست‌های فوق سنجش نماید. در این گزارش تلاش شده است تا با پایبندی به متن بندهای ۲۴ گانه سیاست‌های کلی مذکور، شاخص‌های قابل سنجشی که عمدتاً از جنس شاخص‌های خروجی (ستاده یا نتیجه) هستند ارائه گردد. در ویرایش نخست این گزارش که با مساعدت مشاوران بیرون از مرکز پژوهش‌ها و همکاری دفاتر متعدد پژوهشی مرکز تهیه شده است، شاخص‌های مرتبط با حدود ۱۵ بند از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قالب هشت محور موضوعی شناسایی شده‌اند. با لحاظ ضرورت بسنده کردن به تعداد محدودتری از مهمترین شاخص‌ها، در جدول پایانی این گزارش، ۵۰ شاخص برگزیده برای سنجش وضعیت ۱۵ بند (۸ محور موضوعی) سیاست‌های مذکور ارائه گردیده است تا راهنمای سیاستگذاران قوه مقننه در ایفای نقش نظارتی آنها قرار گیرد.

مقدمه

تأکیدات چند سال اخیر مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد و مشکلات متنوع و بزرگی که دشمنان طی این سال‌ها در این حوزه به وجود آورده‌اند اهمیت ارائه یک الگوی منسجم اقتصادی متناسب با ظرفیت‌های کشور را بیش از پیش نمایان ساخت، که در نهایت در قالب «اقتصاد مقاومتی» مطرح و سیاست‌های کلی آن توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هر یک از نهادهای متولی تقنین، اجرا و نظارت، باید به تناسب وظایف و اختیارات خود برنامه‌ریزی نموده و ایفای نقش نمایند.

یکی از مهمترین الزامات در دستیابی به اهداف سیاستی، تدوین شاخص‌های مناسب به‌منظور ارزیابی عملکرد متولیان امر در بخش‌های مختلف است. یکی از مهمترین کارکردهای شاخص‌ها، سنجش میزان و جهت حرکت نهادهای مختلف و ارائه نوعی توصیف پسینی و انفعالی از اقدامات انجام شده است. اما از سوی دیگر، پایش مستمر شاخص‌ها موجب ایفای نقش فعال و انگیزاننده در حرکت

دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف نیز می‌شود و همین امر، لزوم توجه به مقوله شاخص‌سازی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در این راستا مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌عنوان بازوی کارشناسی قوه مقننه، موضوع شاخص‌سازی برای اقتصاد مقاومتی را در دستور کار خود قرار داده است. در گزارش حاضر تلاش شده است مبتنی بر فلسفه ابلاغ و متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، و نیز با توجه به سایر اسناد بالادستی و با استفاده از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف، ابتدا تفسیری دقیق از بندهای سیاست‌ها ارائه گردد و سپس مبتنی بر این تفسیر، شاخص‌هایی جهت رصد و پایش تحقق سیاست‌ها تولید شود. به‌منظور جلوگیری از هرگونه برداشت شخصی و همچنین ایجاد محدودیت‌های نابجا برای دستگاه‌های اجرایی در مسیر تحقق سیاست‌ها، غالباً شاخص‌ها براساس خروجی‌های سیاست‌ها تدوین گردیده است و از شاخص‌های فرآیندی که مسیر رسیدن به هدف را محدود نماید و مانع از ابتکار عمل دستگاه اجرایی در حل مسئله شود، استفاده نشده است. به‌علاوه تدوین شاخص‌ها با توجه به ظرفیت‌های آماری فعلی کشور و تا حد امکان با اتکا به اطلاعات آشکار، صورت گرفته است تا قابلیت پایش مستمر را داشته باشد و به سهولت در دسترس کارشناسان قرار گیرد. با توجه به اینکه سیاست‌های ابلاغی در مجموع یک نمای کلی از اقتصاد را تصویر می‌کنند نمی‌توان بندهای مختلف سیاست‌ها را به‌صورت جداگانه و بدون در نظر گرفتن سایر بندها تفسیر و برای آنها شاخص‌سازی نمود. به‌منظور رفع این مشکل، مهمترین بندهای سیاست‌های کلی که قابلیت شاخص‌سازی و پایش بیشتری داشته و از درجه اهمیت بالاتری نیز برخوردار هستند، در ۷ گروه تقسیم‌بندی شده و شاخص‌های ارزیابی ذیل هر یک از این ۷ گروه تدوین گردیده است.

به‌طور خاص، از بین سیاست‌های ۲۴ گانه ابلاغ شده، بندهای «۱»، «۵»، «۲۰»، «۲۱»، «۲۲» و «۲۴» موضوع شاخص‌سازی قرار نگرفته‌اند. بند «۱» چندان شاخص‌پذیر نیست و حتی در صورت ارائه شاخص، به‌دلیل اینکه با آحاد مردم ارتباط دارد و با توجه به وضعیت آماری فعلی کشور دستیابی به اطلاعات مربوط به آن شاخص امکان‌پذیر نیست. بند «۵» به مفهومی پرداخته است که فاقد تفسیر دقیق و مورد اجماع کارشناسان اقتصادی است (سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف) و به همین دلیل در این مرحله از فرآیند شاخص‌سازی حذف شده است. بندهای «۲۰» و «۲۱» ناظر به مسائل فرهنگ‌سازی است که با توجه به وضعیت آماری فعلی کشور چندان قابلیت شاخص‌سازی ندارند. بند «۲۲» نیز یک بند کلی است که تمامی فعالیت‌های دولت در زمینه رصد و تحقق اقتصاد مقاومتی را در نظر گرفته است در نتیجه محدوده آن به‌قدری وسیع است که می‌تواند مجموع فعالیت‌های دولت را پوشش دهد و در نتیجه نمی‌توان توقع داشت که برای این بند شاخصی تدوین گردد. بند «۲۴» نیز به‌صراحت از افزایش پوشش استاندارد سخن گفته است که خود بند در حقیقت یک شاخص است. همچنین در ویرایش نخست گزارش، شاخص‌های حوزه اقتصاد دانش‌بنیان بخش



نقشه جامع علمی کشور (بند «۲» سیاست‌های کلی) و امنیت درمان (بند «۷» سیاست کلی) که مسیر جمع‌بندی آن در مرکز پژوهش‌ها همچنان ادامه دارد، لحاظ نگردیده است.

بند «۴» ضرورت استفاده از ظرفیت‌های هدفمندسازی یارانه‌ها در راستای افزایش بهره‌وری، اشتغال، تولید و کاهش شدت انرژی را مورد تأکید قرار داده است. افزایش بهره‌وری، اشتغال و تولید، مؤلفه‌های کلان اقتصادی هستند که از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد و استخراج شاخصی که بتواند تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها را بر این مؤلفه‌ها اندازه‌گیری کند امکان‌پذیر نیست، به همین دلیل باید به آنها به شکل کلان‌نگریست که در بخش اقتصاد دانش‌بنیان مورد توجه قرار گرفته است. اما تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها در حوزه کاهش شدت انرژی و به‌خصوص بخش مصرف خانوار قابل اندازه‌گیری می‌باشد که البته از سنخ اصلاح الگوی مصرف است. با توجه به این توضیحات، بندهای «۴» و «۸» ذیل عنوان «اصلاح الگوی مصرف و هدفمندسازی یارانه‌ها» مورد بررسی قرار گرفته شاخص‌های متناسب با آنها ارائه شده است.

در بند «۶» به بحث نهاده‌ها و کالاهای اساسی و کاهش وابستگی در این زمینه اشاره شده است که می‌توان آنها را تحت عنوان امنیت غذایی سامان‌دهی نمود، از طرف دیگر در بند «۷»، تأمین امنیت غذا و درمان مورد توجه قرار گرفته است. با این توضیحات شاخص‌های مربوط به بندهای «۶» و «۷» تحت عنوان «امنیت غذا و کالاهای اساسی» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند «۹» مسئله اصلاح نظام مالی کشور را نشانه گرفته است که می‌توان آن را به دو بخش بازار پول و بازار سرمایه تقسیم نمود. البته رد پایی از اصلاح نظام مالی در بندهای «۱۰» (استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز - که بهترین پیشنهاد در این بخش مسئله پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه پولی است)، بند «۱۱» (تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج) و بند «۱۲» (توسعه پیوندهای راهبردی - استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی) وجود دارد که همگی ذیل عنوان «اصلاح نظام پولی و مالی» قابل جمع می‌باشند.

بندهای «۱۰»، «۱۱» و «۱۲» به ترتیب مسائل مربوط به صادرات، مناطق آزاد و دیپلماسی اقتصادی را مورد توجه قرار داده‌اند که با توجه به در هم تنیدگی مسائل مربوط به این سه حوزه، مباحث مطرح شده در این بندها ذیل عنوان «صادرات، مناطق آزاد و دیپلماسی اقتصادی» در یک بخش مورد مطالعه و شاخص‌گذاری قرار گرفتند.

در بندهای «۱۳»، «۱۴»، «۱۵» و «۱۸» مسائل مربوط به انرژی و به‌ویژه نفت و گاز مورد توجه قرار گرفته است و راهکارهایی کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌منظور ساماندهی به مسائل این بخش ارائه گردیده است. با توجه به این توضیح و نیز اهمیت حوزه انرژی، یک بخش از گزارش حاضر به این حوزه اختصاص یافت. عنوان بخش نیز به دلیل اهمیت ویژه نفت و گاز در مقایسه با دیگر منابع انرژی به‌صورت «نفت، گاز و حوزه انرژی» انتخاب گردید.

در بخش هفتم، مسائل مربوط به بودجه دولت، هزینه‌ها و مالیات مورد بررسی و شاخص‌سازی قرار

گرفته است که در حقیقت متمرکز بر درآمدهای غیرنفتی و هزینه‌های دولت است. مسائل مربوط به این بخش که در بندهای «۱۶»، «۱۷» و «۱۸» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مطرح شده است، در حقیقت رفتار دولت در مواجهه با منابع مالی را تنظیم می‌نماید و به همین دلیل در یک بخش ساماندهی شده‌اند. بخش پایانی نیز بخش مربوط به شفافیت اطلاعات اقتصادی و سالم‌سازی اقتصاد است که در بندهای «۱۹» و «۲۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به آنها اشاره شده است. با توجه به اینکه مسئله اصلی و اول در باب سالم‌سازی اقتصاد بحث شفاف‌سازی اطلاعات می‌باشد، به همین دلیل این دو بحث در کنار یکدیگر و ذیل یک عنوان بررسی شده‌اند.

۲. مروری بر ادبیات شاخص‌سازی

۲-۱. تعریف شاخص

شاخص معادل فارسی کلمه Index می‌باشد. این واژه در علوم مختلف مفهوم متفاوتی دارد، اما به‌صورت عمومی می‌توان گفت که شاخص حاوی اطلاعاتی است که ویژگی اساسی و اصلی یک پدیده را نمایان می‌کند. غالباً از شاخص‌ها به‌منظور بررسی تحولات حوزه‌های مختلفی از قبیل اقتصاد استفاده می‌کنند. در واقع شاخص‌ها عددی هستند که برای اندازه‌گیری تغییرات یک یا مجموعه‌ای از متغیرها استفاده می‌شوند، این تغییرات ممکن است نسبت به زمان، موقعیت جغرافیایی، وضعیت ایدئال و مواردی مشابه آن اندازه‌گیری شود. شاخص‌ها به‌منزله معیارهایی هستند که به وسیله آنها می‌توان کمیت، کیفیت و یا سقوط یک موضوع را اندازه‌گیری کرد. از آنجا که بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعات نیازمند اطلاعات مناسب است، شاخص‌ها اولین مجموعه اطلاعات در مورد یک موضوع را به دست می‌دهند و در واقع، اولین پل ارتباطی کارشناس با موضوع مورد نظر است. تأثیر گسترده شاخص‌ها در شناخت موضوعات و به تبع آن در ارزیابی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های مختلف، ضرورت اهتمام و دقت کافی در تعیین شاخص‌ها را روشن می‌سازد.^۱

۲-۲. ویژگی‌های شاخص

– صراحت و تفسیرناپذیری

مسئله بسیار مهم در تعریف شاخص، صراحت و تفسیرناپذیری آن است، شاخص باید به گونه‌ای باشد که تا حد امکان بتواند اطلاعات صریحی نسبت به پدیده مورد بررسی در اختیار قرار دهد. به بیان دیگر شاخص نباید به صورتی باشد که تفاسیر متفاوتی از آن قابل استنباط باشد.

۱. رضا صالحی امیری، سعید محمدی، پیشین، ص ۲۲۷.



- سادگی محاسبه

یکی از مهمترین مسائل در طراحی و انتخاب شاخص، منابع اطلاعاتی و آماری مربوط به آن شاخص می‌باشد، هر اندازه دسترسی به منابع اطلاعاتی با هزینه کمتر و سهولت بیشتری اتفاق بیافتد شاخص مذکور از درجه مقبولیت بیشتری برخوردار خواهد بود. در کشور ما این مسئله از دو بعد اهمیت بیشتری می‌یابد که عبارتند از:

- ضعف قابل توجهی که در جمع‌آوری اطلاعات و دسته‌بندی آنها وجود دارد که سبب شده در بسیاری از موارد اطلاعات مورد نیاز برای شاخص‌ها وجود نداشته باشد.
 - نگاه امنیتی که در دستگاه‌های مختلف نسبت به مسئله آمار و ارقام وجود دارد و در نتیجه اطلاعات کمی به صورت عمومی در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد و برای دستیابی به برخی از اطلاعات زحمات زیادی باید کشیده شود.
- بر این اساس سادگی محاسبه یک معیار بسیار کلیدی در تدوین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

- قابلیت ادراک آسان

یک رابطه مستقیم بین سادگی فهم یک شاخص و رواج استفاده از آن وجود دارد، هر اندازه فهم و تفسیر یک شاخص از سادگی بالاتری برخوردار باشد منجر می‌شود که افراد و نهادهای مختلف تمایل بیشتری برای استفاده از آن داشته باشند، به علاوه این سادگی باعث می‌شود که امکان انحراف در تفسیر و استفاده از شاخص نیز کاهش یابد.

- انطباق بر واقعیت

شاخص باید به گونه‌ای تدوین گردد که به خوبی بتواند واقعیت‌های مربوط به پدیده‌ای را که برای سنجش آن به کار گرفته شده است منعکس نماید. هر اندازه تغییرات شاخص منطبق بر تغییرات واقعی باشد از پذیرش و مقبولیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

- تقسیم پذیری

غالباً شاخص‌هایی مفید واقع می‌شوند که قابلیت تقسیم به اجزای خود را داشته باشند، به عنوان مثال از بین شاخص‌هایی که تغییرات را مبتنی بر زمان اندازه‌گیری می‌کنند، گروهی که قابلیت اندازه‌گیری در بازه زمانی کوچکتر یا بزرگتر را داشته باشند از موفقیت بیشتری برخوردار خواهند بود، چرا که قابلیت تفسیر در زمان‌های کوتاهتر و بلندتر را نیز دارند. ممکن است این مسئله در مورد محدوده جغرافیای شاخص و یا مسائلی مشابه آن وجود داشته باشد.

– اعتبار

اولین مسئله در باب اعتبار، سنجش صحیح است، روش‌های به‌کار رفته در محاسبه شاخص باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند به‌درستی پدیده مورد نظر را بسنجد. صحت و اصالت داده‌ها و اطلاعاتی که در محاسبه شاخص استفاده می‌شوند نیز نقش قابل توجهی در اعتبار و روایی یک شاخص دارا می‌باشد. بر این اساس باید تلاش شود تا منابع اطلاعاتی به‌کار رفته در محاسبه شاخص از اعتبار کافی برخوردار باشند. مسئله دیگر این است که مقدار اندازه‌گیری شده در شرایط یکسان باید حداقل اختلاف را داشته باشد و تا حد امکان یکسان باشد. چراکه در شرایط یکسان وجود اختلافات زیاد در مقدار اندازه‌گیری شده به معنای عدم اشراف بر عوامل مؤثر بر تغییرات شاخص و در نتیجه تعریف نادرست شاخص می‌باشد.

– برنامه‌پذیری

شاخص باید به‌گونه‌ای باشد که مبتنی بر آن امکان برنامه‌ریزی و هدفگذاری وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال شاخصی که جهت افزایش یا کاهش آن مطلوب باشد یا اینکه در مقایسه با یک وضع مطلوب که حول آن نوسان می‌کند تدوین شده باشد این امکان را به برنامه‌ریزان می‌دهد که بتوانند اهداف و چشم‌اندازها را مبتنی بر آن تدوین نمایند.

– کمی بودن و قابل اندازه‌گیری عددی

شاخص‌هایی کارآیی دارند که قابلیت اندازه‌گیری کمی را داشته باشند، شاخص‌های کیفی غالباً به دلیل ابهام در تعریف و اندازه‌گیری چندان قابلیت بهره‌مندی را ندارند.

۳-۲. انواع شاخص‌ها

شاخص‌ها از چند منظر قابل دسته‌بندی هستند که هر یک از آنها مزایا و کاربرد خاص خود را داراست. در ادامه بحث به‌منظور انتخاب صحیح شاخص‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی، هر یک از این دسته‌بندی‌ها توضیح داده شده است.

– شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم

• شاخص‌های مستقیم^۱

این دسته از شاخص‌ها به‌طور مستقیم موضوع مورد سنجش را اندازه‌گیری می‌کنند. اطلاعات مربوط به این شاخص‌ها به‌طور مستقیم قابل اندازه‌گیری می‌باشند. برای مثال نسبت تعداد مردان زیر ۲۰ سال به جمعیت شاخصی است که امکان اندازه‌گیری مستقیم آن وجود دارد، البته تعیین دقیق آن بسیار



سخت است و در نتیجه ممکن است روش‌های آماری به کار گرفته شود.

• شاخص‌های غیرمستقیم^۱

شاخص‌هایی هستند که به صورت غیرمستقیم موضوع مورد سنجش را اندازه‌گیری می‌کنند. استفاده از شاخص‌های غیرمستقیم به دلایل مختلفی اتفاق می‌افتد که عبارتند از:

۱. موضوع مورد نظر به گونه‌ای است که امکان اندازه‌گیری مستقیم آن وجود ندارد، این مسئله غالباً در مورد موضوعاتی که بیشتر جنبه کیفی دارند اتفاق می‌افتد به عنوان مثال می‌توان به موضوعاتی همچون تغییرات رفتاری، حاکمیت خوب و شرایط زندگی اشاره کرد.

۲. موضوع مورد نظر قابلیت اندازه‌گیری مستقیم را دارد، اما به دلیل حساسیت آن، در عمل امکان اندازه‌گیری مستقیم را ندارد، تعداد مبتلایان به ایدز و سطح درآمد از جمله این موارد هستند.

۳. استفاده از شاخص‌های غیرمستقیم هزینه کمتری داشته باشد. در برخی موارد ممکن است امکان سنجش مستقیم یک پدیده یا موضوع وجود داشته باشد، اما هزینه انجام آن بسیار زیاد باشد در این مواقع سعی می‌شود تا سنجش، با استفاده از روش‌های غیرمستقیم و با هزینه کمتر انجام پذیرد.

۴. نبود پایگاه‌های اطلاعاتی مورد نیاز. در بعضی موارد به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات مورد نیاز که ناشی از نبود پایگاه‌های اطلاعاتی لازم است از این شاخص‌ها استفاده می‌شود.

– شاخص‌های کمی و کیفی

• شاخص‌های کمی

شاخص‌هایی هستند که برای سنجش موضوعات کمی پذیر استفاده می‌شوند این شاخص‌ها در قالب اعداد بیان می‌شوند، بسیار دقیق هستند و قابلیت استناد بالایی دارند.

• شاخص‌های کیفی

شاخص‌های کیفی غالباً به منظور تعیین کیفیت و چگونگی یک پدیده استفاده می‌شوند، و در مقایسه با شاخص‌های کمی از دقت پایین‌تری برخوردار می‌باشند. شاخص‌های کیفی معمولاً مبتنی بر احساسات افراد از یک پدیده یا موضوع هستند. برای مثال تعداد چرخ خیاطی‌های یک روستا کمی است، ولی میزان اعتمادی که مردم روستا برای کسب درآمد به این ابزار دارند شاخصی کیفی می‌باشد.

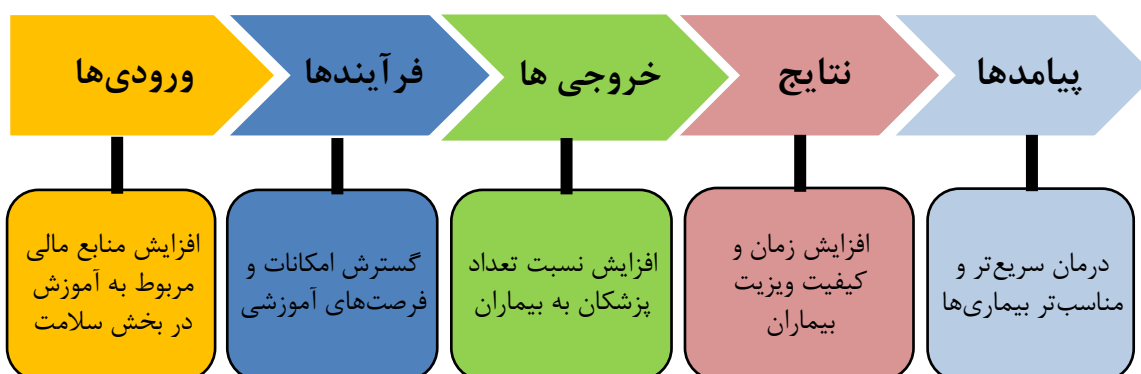
– شاخص‌های ساده و مرکب

شاخص‌ها براساس استفاده از یک یا چند نماگر ترکیبی، قابل تفکیک به شاخص‌های ساده (مانند تولید ناخالص داخلی یا تورم یا بیکاری و...) و شاخص‌های مرکب (مانند شاخص توسعه انسانی، شاخص سهولت کسب و کار، شاخص رقابت‌پذیری و...) قابل تفکیک‌اند.

– شاخص‌های ورودی، فرآیند، خروجی، نتایج، پیامد

پدیده‌های مختلف را می‌توان از پنج منظر مورد توجه قرار داد، این پنج منظر عبارتند از: ورودی‌ها،^۱ فرآیندها،^۲ خروجی‌ها،^۳ نتایج^۴ و پیامدهای^۵ مربوطه،^۵ شاخص‌های مرتبط با هر پدیده‌ای ممکن است هر یک از این پنج مورد را مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار دهند، سه مورد اول در واقع تلاش می‌کنند تا تحقق یک پدیده را مورد سنجش قرار دهند و دو مورد آخر به ارزیابی نتایج حاصل از آن پدیده می‌پردازند. در شکل زیر فرآیند مربوط به هر یک از این مراحل پنجگانه به همراه یک مثال نمایش داده شده است.

شکل فرآیندهای پنجگانه مرتبط با پدیده‌های مختلف



● شاخص‌های ورودی

این نوع شاخص‌ها عواملی از قبیل منابع مالی و انسانی، تجهیزات و امکانات و به‌طور کل منابع مورد نیاز برای دستیابی به اهداف را مورد سنجش قرار می‌دهند. تحقق این شاخص‌ها تنها زمانی می‌تواند به خوبی ارزیابی گردد که رابطه بین عوامل و نتایج پدیده‌ها به خوبی مشخص باشد، در غیر این صورت تفسیر این نوع شاخص‌ها با ملاحظات فراوانی مواجه خواهد بود. به‌عنوان مثال نسبت تعداد اساتید دانشگاه به تعداد دانشجویان یکی از شاخص‌های ورودی برای سنجش کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها می‌باشد.

● شاخص‌های فرآیندی

این شاخص‌ها تحقق برنامه‌هایی را که برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته می‌شوند، مورد سنجش قرار می‌دهند. تغییرات این شاخص‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌ها تا چه اندازه در انطباق با برنامه‌های

1. Input
2. Process
3. Output
4. Outcome
5. Impact



مذکور می‌باشند. در واقع استفاده از این شاخص‌ها زمانی مناسب است که مسیرهای تحقق اهداف مشخص، شفاف و مورد اتفاق نظر صاحب‌نظران باشند، اما در صورتی که مسیرهای مختلفی برای دستیابی به هدف وجود داشته باشند و انتخاب هر یک از آنها منوط به انجام مطالعات کارشناسی باشد استفاده از این نوع شاخص‌ها چندان کارآمد نیست.

● شاخص‌های خروجی

این شاخص در ارتباط با شاخص‌های فرآیندی می‌باشند در حقیقت خروجی‌ها همان نتایج حاصل از فرآیندهای اتخاذ شده برای دستیابی به اهداف می‌باشند و در صورتی که فرآیندها شناخته شده باشند قابلیت تعریف و رصد چنین شاخص‌هایی امکانپذیر است.

● شاخص‌های نتایج

این شاخص‌ها نتایج مستقیم سیاست‌ها و تغییرات سیاستی را اندازه می‌گیرند و نشان می‌دهند که آیا تغییرات مورد نظر سیاستگذار محقق شده است یا خیر. در واقع این شاخص‌ها تحقق اهداف اولیه سیاستگذار از مجموعه ورودی‌ها، فرآیندها و خروجی‌ها را اندازه‌گیری می‌نمایند. غالباً این جنس از شاخص‌ها به صورت نسبی تعریف می‌شوند.

● شاخص‌های پیامد

این شاخص‌ها نتایج نهایی مورد نظر سیاستگذار را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. غالباً پیامدها از جنس مسائل کلان هستند و معمولاً به عوامل چندگانه‌ای وابسته‌اند، در نتیجه به سادگی نمی‌توان سهم هر یک از تصمیمات را در تغییرات مربوط به این مسائل به دست آورد.

۱-۳-۲. شاخص‌های تغییرات و ارزیابی و سنجش

از منظر مبنای مقایسه، شاخص‌های نسبی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند، دسته اول شاخص‌هایی که تغییرات یک متغیر را در طول زمان اندازه‌گیری می‌کنند و مرجع مقایسه آنها وضعیت متغیر در یک زمان خاص است و دسته دوم شاخص‌هایی که وضعیت یا موقعیت یک پدیده را می‌سنجند، این شاخص‌ها در حقیقت وضعیت متغیر مورد نظر را در مقایسه با یک موقعیت یا وضعیت خاص اندازه‌گیری می‌کنند. هر یک از این دو دسته دارای دسته‌بندی می‌باشند.

– شاخص‌های تغییرات

این شاخص‌ها که در حقیقت همان شاخص‌های دسته اول هستند، مشخص‌کننده تغییرات یک متغیر نسبت به زمان پایه می‌باشند. براساس زمان پایه شاخص‌ها به دو گروه تک‌پایه‌ای و چندپایه‌ای تقسیم می‌شوند، شاخص‌های تک‌پایه‌ای تغییرات یک پدیده را نسبت به مقدار آن در زمان پایه می‌سنجند، اما شاخص‌های چندپایه‌ای تغییرات دو یا چند متغیر را نسبت به مقادیر آنها در زمان پایه می‌سنجند.

به‌علاوه این شاخص‌ها ممکن است متغیر مورد نظر را از منظر قیمت، ارزش و یا مقدار مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند که این هم می‌تواند به‌عنوان یک معیار برای تقسیم‌بندی این شاخص‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۳-۲. شاخص‌های ارزیابی و سنجش

این شاخص‌ها با توجه به نوع متغیرهایی که در ساخت آنها استفاده شده است به دو گروه ساده و مرکب تقسیم‌بندی می‌شوند. شاخص‌های ساده شاخص‌هایی هستند که در ساخت آنها از یک متغیر استفاده شده است و شاخص‌های مرکب به آن دسته از شاخص‌ها اطلاق می‌شود که از ترکیب دو یا چند متغیر ساخته می‌شوند.

جمع‌بندی

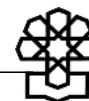
با توجه به مطالبی که ارائه شد در پژوهش حاضر تلاش شده است تا علاوه بر معیارهای عمومی بیان شده برای انتخاب شاخص تا حد ممکن از شاخص‌هایی استفاده شود که از ایجاد محدودیت‌های نابجا برای دستگاه‌های اجرایی در مسیر تحقق سیاست‌ها جلوگیری نماید و قدرت خلاقیت را از دستگاه مزبور سلب نکند. به‌علاوه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به گونه‌ای است دستیابی به اهداف مشخصی را در بخش‌های مختلف مورد توجه قرار داده است، به همین دلیل شاخص‌ها مبتنی بر اهداف و نتایج سیاست‌ها تدوین گردیده است و نه مبتنی بر فرآیندها و ورودی‌ها. به بیان دیگر شاخص‌ها غالباً از جنس شاخص‌های خروجی هستند. به‌علاوه با توجه به سابقه نسبتاً کم موجود در کشور از شاخص‌های ساده و تک‌جهته که صعود یا نزول آنها مثبت باشد استفاده شده است چراکه این شاخص‌ها از منظر تدوین و تفسیر ساده‌تر و قابل فهم‌تر هستند. همچنین شاخص‌ها به‌گونه‌ای گزینش شده است که با استفاده از منابع اطلاعاتی موجود در کشور، در حال حاضر و یا در آینده‌ای نزدیک قابل استخراج باشد.

۳. شناسایی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

۳-۱. اقتصاد دانش‌بنیان

بندهای «۲» و «۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناظر به اقتصاد دانش‌بنیان، صنعت و تولید داخلی می‌باشد:

بند «۲»- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و



خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

بند «۳» - محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

با توجه به گسترده بودن شاخص‌های تحقق نقشه جامع علمی کشور، این بند در ویرایش دوم گزارش لحاظ خواهد شد، اما دیگر موضوعات مورد توجه در این بندها عبارتند از:

۱-۱-۳. پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان

اقتصاد دانش‌بنیان به معنای اقتصاد مبتنی بر دانش تعریف می‌شود.^۱ به بیان دیگر اقتصادی که در آن دانش نقش اصلی و پایه‌ای را ایفا می‌کند. شاخص‌های متنوعی می‌توان برای اقتصاد دانش‌بنیان در نظر گرفت، اما باید به این نکته توجه نمود که اصولاً شاخص‌سازی اقتصاد دانش‌بنیان چندان ساده نیست چراکه اولاً تعریف و سنجش دانش و پیشرفت دانشی کاری دشوار و پیچیده است و شاخص‌های ارائه شده در این بخش هر یک از زاویه‌ای به دانش نگاه کرده‌اند که بیشتر یک نگاه بخشی است تا یک نگاه جامع. ثانیاً باید توجه شود که سنجش میزان بهره‌مندی اقتصاد از یک دانش تولید شده کاری دشوار است، چرا که موارد متعددی می‌توان یافت که دانش تولید شده اما از آن استفاده‌ای نشده است. به بیان دیگر صرف تولید دانش به معنای حضور دانش در اقتصاد نیست.

بانک جهانی شاخصی برای رتبه‌بندی کشورها از منظر اقتصاد دانش‌بنیان تولید می‌کند که سالیانه منتشر می‌شود. این شاخص که «شاخص اقتصاد دانشی»^۲ نام دارد، یک شاخص ترکیبی از ۱۴۸ زیرشاخص است که هر یک از این شاخص‌ها ممکن است خود یک شاخص ترکیبی از چند زیرشاخص دیگر باشند. شاخص‌های مختلف به کار رفته به روش‌های مختلفی محاسبه می‌شوند، مبنای برخی از آنها پر کردن فرم‌های پرسشنامه توسط فعالین برخی حوزه‌هاست، برخی دیگر بر مبنای آمارگیری است و برخی دیگر بر اساس داده‌های متقن است که بیشتر قابل اتکا می‌باشد. در این گزارش سعی شده از بین شاخص‌های مختلف معرفی شده در گزارش بانک جهانی، شاخص‌هایی که با توجه به امکانات آماری کشور قابل تولید و اتکا هستند و همچنین بازتاب مناسبی از اقتصاد دانش‌بنیان دارند مورد توجه قرار گیرند.

1. World Bank

2. Knowledge Economy Index

شاخص ۱: تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در بین ۱۰ شرکت اول رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی. توضیح شاخص ۱: افزایش این شاخص به معنای توسعه برندهای دانش‌بنیان در کشور می‌باشد که مورد نظر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. اطلاعات این شاخص در اختیار سازمان مدیریت صنعتی است و ارزیابی آن به صورت سالیانه می‌باشد.

شاخص ۲: سهم مجموع صادرات با فناوری بالا و صادرات خدمات فنی مهندسی از کل صادرات غیرنفتی

توضیح شاخص ۲: هنگامی که صادرات به صورت کلی در نظر گرفته می‌شوند، ممکن است عواملی از قبیل خام‌فروشی یا صادرات نزدیک به خام باعث شوند که عدد شاخص معیار مناسبی برای اقتصاد دانش‌بنیان نباشد. محاسبه سهم صادرات با فناوری بالا می‌تواند بسته مناسبی برای سنجش صادرات دانش‌بنیان و در نتیجه پیشروی در مسیر اقتصاد دانش‌بنیان باشد. البته تعاریف جهانی درخصوص سطح فناوری صادرات و واردات، عمدتاً به گونه‌ای است که از آمارهای داخلی کشور قابل استخراج نیست. به عنوان مثال یکی از معیارها مبتنی بر سهم R&D در تولید محصول مورد نظر است که آمار آن در کشور موجود نیست.

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، صنایع مختلف را براساس محصول نهایی، به چهار سطح فناوری تقسیم‌بندی نموده است (بالا، متوسط بالا، متوسط پایین، پایین). این تقسیم‌بندی بر مبنای کد ISIC صورت گرفته و لذا قابل استفاده برای کشور ما نیز هست (با استفاده از اطلاعات گمرک جمهوری اسلامی).^۱ با توجه به اینکه مبنای آمار صادرات با فناوری بالا، کدهایی است و این کدها صرفاً شامل کالا بوده و خدمات را شامل نمی‌شود، مجموع خدمات فنی و مهندسی نیز به عنوان شاخصی از صادرات خدمات با فناوری بالا می‌تواند مبنای عمل قرار گیرد. اطلاعات مربوط به صادرات خدمات فنی و مهندسی در گزارش سازمان توسعه تجارت ایران وجود دارد و امکان استخراج این شاخص هر دو ماه یک بار وجود دارد. به منظور حذف نوسانات ناشی از اندازه‌گیری‌های کوتاه‌مدت، رصد و گزارش ۶ ماهه این شاخص مطلوب می‌باشد. با توجه به اینکه آمارهای مربوط به این شاخص نیز براساس اطلاعات دقیق است و مبتنی بر فرآیندهای آماری نمی‌باشد عدد مربوط به این شاخص نیز عدد دقیقی می‌باشد.

۱. گزارش «تحلیل تجارت خارجی کشور از نظر سطح فناوری»، گمرک جمهوری اسلامی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات، خرداد ۱۳۹۱.



شاخص ۳: سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی

توضیح شاخص ۳: افزایش این شاخص به معنای افزایش نیاز به تحقیق و توسعه برای تولید می‌باشد که خود نشان‌دهنده تولید مبتنی بر دانش است. این شاخص یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های سنجش اقتصاد دانش‌بنیان می‌باشد. این شاخص در حال حاضر و با استفاده از آمارهای موجود قابل اندازه‌گیری و رصد نیست، چرا که آمارهای مربوط به تحقیق و توسعه در کشور چندان قابل اعتماد و دقیق نیست.

شاخص ۴: نسبت نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه به نرخ بیکاری کل

توضیح شاخص ۴: حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان به صورت ناگزیر از مسیر استفاده از دانشگاهیان به وقوع می‌پیوندد. هر اندازه بار دانشی فعالیت‌های تولیدی افزایش یابد حضور دانشگاهیان در این عرصه نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین افزایش این شاخص به معنای بهره‌مندی هرچه بیشتر از دانش در جریان تولید می‌باشد. منابع آماری این شاخص در اختیار بانک مرکزی و مرکز آمار است و رصد سالیانه آن توصیه می‌گردد. آمار مربوط به این بخش براساس نتایج حاصل از آمارگیری از نمونه‌های آماری به دست می‌آید و مبتنی بر سرشماری نیست.

۲-۱-۳. محوریت رشد بهره‌وری در اقتصاد

یکی از مهمترین بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مرتبط با مقوله بهره‌وری در اقتصاد است، در بند «۳» سیاست‌ها، بهره‌وری به عنوان محور رشد اقتصادی هدفگذاری شده است که بر این اساس می‌توان آن را محور اقتصاد مقاومتی نیز دانست. بهره‌وری در حقیقت به معنای استفاده بهینه از منابع مختلف از قبیل منابع انسانی، منابع مالی و سایر منابع در راستای تحقق اهداف اقتصادی می‌باشد. برای سنجش بهره‌وری شاخص‌های متفاوتی وجود دارد که در ادامه برخی از این شاخص‌ها که برای کشور مناسب است و منابع آماری آن موجود است معرفی می‌گردد. سه شاخصی که در ادامه معرفی شده به طور مستمر توسط سازمان ملی بهره‌وری پایش می‌گردد و لذا این سازمان منبع آماری شاخص‌های ذیل خواهد بود.

شاخص ۱: سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی

توضیح شاخص ۱: این شاخص نشان‌دهنده میزان توجه به بهره‌وری است و با توجه به اینکه در متن سیاست‌ها محوریت بهره‌وری در اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است افزایش آن مطلوب می‌باشد. گزارش‌های مربوط به بهره‌وری توسط سازمان ملی بهره‌وری ایران منتشر می‌شود، در نتیجه این شاخص براساس داده‌های این سازمان و اطلاعات بانک مرکزی قابل اندازه‌گیری می‌باشد. این شاخص باید به صورت سالیانه اندازه‌گیری شود. اطلاعات مربوط به این شاخص مبتنی بر نتایج حاصل از نمونه‌گیری و با استفاده از روش‌های آماری به دست می‌آید.

شاخص ۲: بهره‌وری نیروی کار

توضیح شاخص ۲: شاخص‌ها وقتی به صورت کلی اندازه‌گیری می‌شوند ممکن است سبب برخی اشتباهات شوند، به عنوان مثال شاخص بهره‌وری کل در حقیقت بهره‌وری مجموع عوامل تولید از قبیل نیروی کار و سرمایه را اندازه‌گیری می‌کند ولی افزایش آن الزاماً نمی‌تواند به معنای افزایش بهره‌وری در تمامی عوامل تلقی شود، به همین دلیل مناسب است که بهره‌وری در عوامل اصلی نیز مورد توجه قرار گیرد. بهره‌وری در نیروی کار یکی از این موارد است. منابع آماری مربوط به این شاخص نیز همانند شاخص بهره‌وری کل می‌باشد و اندازه‌گیری آن به صورت سالیانه خواهد بود. اطلاعات مربوط به این شاخص مبتنی بر نتایج حاصل از نمونه‌گیری و با استفاده از روش‌های آماری به دست می‌آید.

شاخص ۳: بهره‌وری سرمایه

توضیح شاخص ۳: همانند دو شاخص قبلی رشد این شاخص نیز جزء مطلوبیت‌های اقتصاد مقاومتی است. رشد و پایش این شاخص نیز باید به صورت سالیانه و با گزارش‌گیری از سازمان ملی بهره‌وری ایران انجام گیرد. روند بهره‌وری سرمایه طی ۵۰ سال اخیر به طور متوسط نزولی بوده است که این امر، لزوم پایش مستمر این شاخص را دوچندان می‌کند. اطلاعات مربوط به این شاخص نیز مبتنی بر نتایج حاصل از نمونه‌گیری و با استفاده از روش‌های آماری به دست می‌آید.

۳-۱-۳. تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد

در جهان امروز رقابت‌پذیری یکی از اساسی‌ترین موضوعات در حوزه اقتصاد است. رقابت‌پذیری در حقیقت به معنای توانایی کسب موقعیت مناسب در بازارهای جهانی است. براساس تعاریف مجمع جهانی اقتصاد، رقابت‌پذیری به معنای پایداری اقتصاد ملی و یا حفظ درآمد سرانه می‌باشد. از گذشته تاکنون شاخص‌های متنوعی برای ارزیابی رقابت‌پذیری به کار گرفته شده است. شاخصی که برای اندازه‌گیری رقابت‌پذیری به کار گرفته می‌شود یک شاخص ترکیبی است که از زیرشاخص‌های متعددی تشکیل شده است. شاخصی که در حال حاضر به عنوان شاخص رقابت‌پذیری استفاده می‌شود ۱۲ رکن دارد،^۱ این ارکان عبارتند از:

۱. نهادها

۲. زیرساخت‌ها

۳. محیط اقتصاد کلان

۴. سلامت و آموزش ابتدایی

۱. داوود دانش‌جعفری، وحید شقاقی شهری، کتاب اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴.



۵. آموزش عالی و کارآموزی
۶. کارآیی بازار کالا
۷. کارآیی بازار نیروی کار
۸. توسعه بازارهای مالی
۹. آمادگی تکنولوژیک
۱۰. اندازه بازار
۱۱. مهارت در کسب و کار و تجارت
۱۲. نوآوری

هریک از این ارکان ۱۲ گانه خود یک شاخص ترکیبی از چند زیرشاخص هستند، امکان سنجش بخش اعظمی از این شاخص‌ها در کشور وجود ندارد و آن بخش که امکان اندازه‌گیری و رصد دارد در قسمت‌های قبلی همین بخش، به‌عنوان شاخص اقتصاد دانش‌بنیان، نقشه جامع علمی یا بهره‌وری، معرفی شده است به همین دلیل در این بخش شاخص جدیدی در این خصوص معرفی نمی‌شود.

۲-۳. اصلاح الگوی مصرف و هدفمندی یارانه‌ها

بندهای «۴» و «۸» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناظر به اصلاح الگوی مصرف و هدفمندی یارانه‌ها می‌باشد:

بند «۴» - استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی.

بند «۸» - مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید. موضوعات مورد توجه این دو بند به شکل زیر قابل دسته‌بندی می‌باشند:

۱. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت:

۱-۱. افزایش تولید

۱-۲. افزایش اشتغال

۱-۳. افزایش بهره‌وری

۱-۴. کاهش شدت انرژی

۱-۵. ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی

۲. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف،

۳. ترویج مصرف کالاهای داخلی و افزایش کیفیت آنها.

مسائلی از قبیل تولید، اشتغال و شاخص‌های عدالت اجتماعی مسائل کلانی هستند که به عوامل

متعددی وابسته‌اند، هدفمندسازی یارانه‌ها هر چند می‌تواند در این موضوعات اثرگذار باشد، اما در مقایسه با سایر فاکتورها از اهمیت کمتری برخوردار است. با این توضیح نمی‌توان بهبود این قبیل موضوعات را ناشی از گام‌های هدفمندی یارانه‌ها دانست، در نتیجه بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها در مسائل مذکور براساس نتایج، چندان امکان‌پذیر نیست. به‌منظور سنجش تأثیر هدفمندی در این زمینه‌ها تنها عاملی که قابل سنجش است نحوه تخصیص منابع حاصل از هدفمندی در راستای تأمین این اهداف می‌باشد. براساس قانون بودجه سال ۱۳۹۳، بخش اعظم منابع حاصل از هدفمندی به‌صورت نقدی و غیرنقدی به مردم پرداخت می‌شود و بخش باقیمانده با نسبت معینی که در قانون تعیین شده است در اختیار تولید، بهینه‌سازی، نظام سلامت و ... قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مقادیر اختصاص یافته به هر یک از این بخش‌ها به‌طور سالیانه توسط مجلس تعیین می‌شود و همچنین تشخیص اینکه چه مقدار از منابع مذکور در چه بخشی مصرف می‌شود امکان‌پذیر نیست، در نتیجه شاخص‌گذاری و سنجش آن چندان ممکن و مفید نخواهد بود.

کاهش شدت انرژی و بهره‌وری نیز همانند تولید و اشتغال به عوامل متعددی ارتباط دارند، اما نکته مهم این است که هدفمندی یارانه‌ها تقریباً مهمترین فعالیت در راستای کاهش شدت انرژی می‌باشد، در مورد بهره‌وری نیز اگر توجه خود را به بهره‌وری بخش انرژی معطوف کنیم، همین نکته قابل تکرار است. بنابراین تمرکز این بخش بر معرفی شاخص‌هایی خواهد بود که به‌منظور سنجش مصرف بهینه انرژی و حامل‌های آن قابل استفاده هستند. لازم به ذکر است، تفکیک بین اصلاح الگوی مصرف و هدفمندسازی یارانه‌ها در معرفی شاخص‌ها چندان دقیق نیست و کلیه شاخص‌هایی که در این بخش و بخش آتی معرفی می‌گردد، نوعی هم‌پوشانی در این دو موضوع دارند. همچنین با توجه به اینکه شاخص‌سازی و سنجش فعالیت‌های صحیح ترویجی چندان ساده نیست در این گزارش از تعریف شاخص در حوزه ترویج مصرف کالاهای داخلی خودداری شده است.

شاخص ۶: شدت انرژی در بخش صنعتی و کشاورزی

۱-۲-۳. اصلاح الگوی مصرف خانوار

شاخص ۱: میانگین مصرف آب و برق و گاز برای خانوارها نسبت به مدت مشابه در سال پایه
توضیح شاخص ۱: با توجه به وضعیت نامناسب مصرف انرژی در کشور، حداقل برای بازه ۵-۶ ساله کاهش این شاخص مطلوب می‌باشد. منابع آماری این شاخص در اختیار وزارت نیرو و شرکت ملی گاز می‌باشد. با توجه به آمار دقیق تولیدی در این بخش، بهتر است بازه زمانی تولید این شاخص براساس حداقلی باشد که امکان‌پذیر است، این بازه زمانی بین یک تا دو ماه خواهد بود. به‌علاوه با توجه به تفاوت بازه‌های زمانی گردآوری اطلاعات وزارت نیرو و شرکت ملی گاز، باید این شاخص به تفکیک آب



و برق و گاز تولید شود. با توجه به اینکه میزان مصرف خانوارها به شکل دقیق و با استفاده از کنتورها اندازه‌گیری می‌گردد اعداد مربوط به این شاخص اعداد دقیقی خواهند بود.

شاخص ۲: انحراف معیار سرانه مصرف آب و برق و گاز خانوارها

توضیح شاخص ۲: کاهش این شاخص به معنای یکسان‌سازی رفتارهای خانوارهای مختلف است. با توجه به اینکه در شاخص ۱ منطقی‌سازی مصرف در نظر گرفته شده است در نتیجه یکسان‌سازی و کاهش واریانس رفتار مصرف‌کنندگان مطلوب می‌باشد. منابع آماری این شاخص مشابه شاخص ۱ می‌باشد و اندازه‌گیری و دقت آن نیز همانند شاخص ۱ خواهد بود.

۲-۳. بهینه‌سازی مصرف سوخت

شاخص ۱: نسبت مصرف بنزین به تعداد خودروهای فعال (سرانه مصرف بنزین خودروها)

توضیح شاخص ۱: تغییرات این شاخص می‌تواند ناشی از چند عامل باشد که عبارتند از: تغییر کیفیت خودروها از منظر مصرف سوخت، جایگزینی مصرف بنزین با گاز و کاهش استفاده از خودروهای شخصی. با این توضیح کاهش این شاخص ناشی از هر یک از این عوامل باشد مطلوب است و در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. اطلاعات مربوط به این شاخص در اختیار پلیس راهنمایی رانندگی و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی می‌باشد. بازه زمانی اندازه‌گیری فصلی برای این شاخص مناسب است. البته با توجه به اینکه اطلاعات پلیس براساس پلاک‌های فعال می‌باشد ممکن است با اندکی انحراف از واقعیت همراه باشد.

شاخص ۲: میزان مصرف بنزین و گازوئیل به منظور حمل بار، به ازای هر تن کیلومتر جابجایی بار

توضیح شاخص ۲: این شاخص تلاش می‌کند تا با یک رویکرد «بهره‌ورمحور» وضعیت مصرف سوخت خودروهای باری را مورد سنجش قرار دهد. بر این اساس در این شاخص مصرف سوخت به ازای میزان جابجایی بار و حجم آن سنجیده می‌شود و کاهش آن مطلوب می‌باشد. از آنجا که عمده وسایل حمل بار جاده‌ای، گازوئیلی هستند، می‌توان با تقریب مناسبی، مجموع کل مصرف گازوئیل و بنزین مصرفی و انتها را به‌عنوان صورت این کسر مورد استفاده قرار داد. منابع آماری این شاخص در اختیار ستاد حمل‌ونقل سوخت، شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت و وزارت راه و شهرسازی می‌باشد. با توجه به اینکه آمارهای مربوط به این بخش چندان به‌صورت مناسب تولید نمی‌شود اندازه‌گیری سالیانه آن مطلوب می‌باشد.

شاخص ۳: نسبت حمل‌ونقل بار از طریق جاده (بر حسب تن کیلومتر) به حجم ترانزیت ریلی
توضیح شاخص ۳: حمل‌ونقل بار و مسافر از طریق ریلی دارای مزایای متعددی نسبت به حمل‌ونقل جاده‌ای است. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، مصرف سوخت در حمل‌ونقل ریلی، برای حمل مسافر (بر حسب نفر کیلومتر)، یک‌سوم، و برای حمل بار (بر حسب تن کیلومتر)، یک‌ششم حمل‌ونقل جاده‌ای است. همچنین به لحاظ ایمنی و میزان تلفات، در حمل‌ونقل جاده‌ای به طور متوسط سالیانه ۱۲ هزار نفر تلفات جانی وجود دارد که این شاخص در حمل‌ونقل ریلی، طی ده سال گذشته مجموعاً کمتر از هزار نفر بوده است. بر این اساس و با توجه به اینکه در حال حاضر وضعیت حمل‌ونقل ریلی در ایران مناسب نیست، حداقل برای یک بازه ۵ ساله، کاهش این شاخص مطلوب است. منابع اطلاعاتی مربوط به این شاخص و بازه زمانی اندازه‌گیری آن مشابه شاخص ۴ می‌باشد.

۳-۲-۳. بهینه‌سازی مصرف آب

شاخص: میزان مصرف آب به ازاء هر تن محصول در بخش کشاورزی

توضیح شاخص: با توجه به مشکل جدی کم‌آبی کشور، کاهش این شاخص یکی از مهمترین مطلوبیت‌های کشور در راستای بهره‌وری منابع می‌باشد. در حقیقت این شاخص تلاش می‌کند وضعیت بهره‌وری مصرف آب را اندازه‌گیری کند. منابع آماری این شاخص در اختیار وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو می‌باشد و اندازه‌گیری آن به صورت سالیانه خواهد بود. در این بخش اطلاعات مربوط به مصرف آب در بخش کشاورزی از دقت مناسبی برخوردار نیست.

۳-۲-۴. بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های صنعت و کشاورزی

شاخص: شدت انرژی در بخش صنعتی و کشاورزی

توضیح شاخص: در بخش‌های صنعتی و کشاورزی، مصرف انرژی برای تولید کالا استفاده می‌شود در نتیجه بهترین شاخص برای اندازه‌گیری بهره‌وری مصرف انرژی شدت مصرف آن می‌باشد. با این توصیف کاهش این شاخص به معنای بهبود وضعیت مصرف انرژی در صنعت و کشاورزی می‌باشد. منابع آماری مربوط به این شاخص که در حقیقت تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی و صنعت به علاوه مصارف انرژی این دو بخش می‌باشند، در گزارش‌های مرکز آمار، وزارت نیرو و بانک مرکزی قابل دسترسی است و با توجه به تولید سالیانه این اطلاعات اندازه‌گیری و سنجش این شاخص نیز باید به صورت سالیانه انجام شود. داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی با استفاده از روش‌های آماری به دست می‌آیند، اما آمار بخش مصرف انرژی مبتنی بر انشعابات مختلف گاز و برق و همچنین مصارف دیگر حامل‌های انرژی محاسبه می‌شوند که دقیق‌تر هستند.



۵-۲-۳. بهینه‌سازی تولید برق

شاخص ۱: تلفات تولید و انتقال برق

توضیح شاخص ۱: کاهش این شاخص به معنای افزایش بهره‌وری در فرآیند تولید و انتقال برق می‌باشد که ارقام مربوط به آن بسیار حائز اهمیت و قابل توجه است. منبع آماری این شاخص در اختیار وزارت نیرو می‌باشد و با توجه به اینکه این آمارها غالباً به‌صورت سالیانه تولید می‌شوند سنجش و تولید این شاخص نیز باید به‌صورت سالیانه باشد. آمار و ارقام مربوط به این شاخص با توجه به اینکه تولید و مصرف برق با دقت خوبی اندازه‌گیری می‌شود اساس داده‌های دقیق است و نه داده‌های آماری و همچنین از دقت مناسبی برخوردار است.

شاخص ۲: میانگین بازده نیروگاه‌ها

توضیح شاخص ۲: این شاخص نیز از جنس شاخص‌های بهره‌وری است که در حقیقت استفاده بهینه از حامل‌های انرژی در فرآیند تولید برق را مورد توجه قرار می‌دهد. در حال حاضر وضعیت کشور در این شاخص چندان مناسب نیست و کاهش آن یکی از ضروری‌ترین گام‌ها در راستای تحقق محوریت بهره‌وری در اقتصاد است. منابع آماری این شاخص در اختیار وزارت نیرو می‌باشد و اندازه‌گیری آن باید به‌صورت سالیانه انجام شود. برای محاسبه آمارهای این شاخص از اعداد تولید برق و مصرف حامل‌های انرژی در نیروگاه‌ها استفاده می‌شود که به‌صورت دقیق محاسبه می‌شوند و آماری نیستند.

شاخص ۳: سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین از کل تولید برق کشور

توضیح شاخص ۳: در جهان امروز استفاده از منابع تجدیدپذیر به‌عنوان جایگزین و مکمل منابع فسیلی بسیار مورد توجه است که در ایران از آن غفلت شده است. افزایش این شاخص به معنای افزایش استفاده از منابع تجدیدپذیر است که مورد تأیید سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف می‌باشد. منبع آماری این شاخص نیز در اختیار وزارت نیرو می‌باشد و با توجه به تولید سالیانه آمارهای بخش انرژی مناسب‌تر آن است که به‌صورت سالیانه سنجیده شود.

شاخص ۴: سهم واحدهای «تولید پراکنده و همزمان برق و حرارت» از تولید برق

توضیح شاخص ۴: مهم‌ترین شاخص واحدهای تولید پراکنده و همزمان برق و حرارت، بهره‌وری بالای آنهاست و به همین دلیل در سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف جای گرفته‌اند. این شاخص به‌گونه‌ای تعریف شده است که افزایش آن مطلوب می‌باشد. منبع آماری این شاخص در اختیار وزارت نیرو می‌باشد و با توجه به اینکه این آمارها غالباً به‌صورت سالیانه تولید می‌شوند سنجش و تولید این شاخص نیز باید به‌صورت سالیانه باشد.

۳-۳. امنیت غذا و کالاهای اساسی

بندهای «۶» و «۷» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناظر به حوزه کشاورزی و به‌خصوص غذا می‌باشد:

بند «۶» - افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

بند «۷» - تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).

موضوعات بیان شده در این دو بند به گونه‌ای است که در مجموع می‌توان گفت هدف اصلی سیاست‌ها در این بخش تأمین امنیت غذا بوده است. در این راستا، راهکارهای ارائه شده را می‌توان به پنج دسته تقسیم‌بندی نمود:

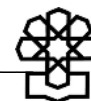
۱. افزایش کمی تولید محصولات و نهاده‌های اساسی وارداتی،
۲. تنوع بخشی به مبادی واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی،
۳. کاهش وابستگی به کشورهای خاص در نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی،
۴. افزایش حجم و بهبود بازده ذخایر راهبردی غذایی،
۵. رفع انحصار در مبادیان واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی.

۳-۳-۱. افزایش تولید محصولات و نهاده‌های اساسی وارداتی

به فرموده امام خمینی (ره) کشوری که در تأمین نیازهای عمومی و استراتژیک خود به غرب وابسته است، بلادرنگ در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی وابسته خواهد ماند.^۱ تأکید بر افزایش تولید محصولات و نهاده‌های اساسی وارداتی، نشان‌دهنده جهت‌گیری سیاست‌ها در راستای کاهش وابستگی در کالاهای مذکور می‌باشد.

در حال حاضر تعاریف مختلفی در خصوص حوزه شمول «غذاهای اساسی» از سوی وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صنعت، معدن، تجارت (ستاد تنظیم بازار) ارائه می‌شود. در صورتی که معیار «اساسی» بودن محصولات و نهاده‌های غذایی را، سهم بالای این محصولات در تأمین سه ماده مغذی اصلی برای انسان (یعنی کربوهیدرات، پروتئین و چربی) بدانیم، می‌توان اقلام زیر را به‌عنوان «غذاهای اساسی» معرفی نمود: گندم، جو، برنج، ذرت، سویا، روغن، قند، شکر، گوشت قرمز، گوشت سفید، لبنیات. در کلیه شاخص‌هایی که در این بخش معرفی می‌گردند، منظور از غذاها یا نهاده‌های اساسی، موارد فوق است.

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۷۳.



شاخص: نسبت ارزش واردات غذاهای اساسی به ارزش کل مصرف آنها^۱

توضیح شاخص: این شاخص در حقیقت نشان‌دهنده وابستگی کشور در کالاهای اساسی است در نتیجه کاهش آن به معنای کاهش وابستگی، مطلوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. معمولاً به منظور سنجش میزان وابستگی در کالاهای اساسی، از شاخص «ضریب خودکفایی» استفاده می‌شود که طبق تعریف عبارت است از «نسبت مجموع تولید داخل و خالص موجودی انبار به کل مصرف در هر دوره زمانی». از آنجا که اطلاعات مربوط به تولید اقلام اساسی با تأخیر نسبتاً زیاد (حدود ۲ سال) منتشر می‌شود و اطلاعات مربوط به موجودی انبار نیز غالباً محرمانه تلقی شده و منتشر نمی‌شود، مناسب‌تر است شاخص جایگزین دیگری به منظور سنجش میزان وابستگی در اقلام اساسی معرفی شود.

با توجه به اینکه اطلاعات مربوط به واردات اقلام غذایی که توسط گمرک جمهوری اسلامی اعلام می‌شود، دقیق‌تر، به‌روزتر و در دسترس‌تر از اطلاعات مربوط به میزان تولید داخلی آنها می‌باشد، شاخص فوق به‌عنوان جایگزینی برای ضریب خودکفایی معرفی شده است. برای محاسبه این شاخص اطلاعات مربوط به مصرف نیز نیاز است که آمار مربوط به آن به‌صورت ماهیانه و سالیانه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. آمار مربوط به مصرف براساس تخمین‌های آماری به‌دست می‌آید، اما آمار مربوط به واردات به‌صورت دقیق محاسبه می‌شوند.

۳-۳-۲. تنوع‌بخشی به مبادی واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی

فارغ از شرایط تحریمی، تنوع مبادی وارداتی، یکی از عوامل کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد می‌باشد. به‌عنوان مثال ردپای چنین سیاستی به‌خوبی در رفتار نفتی ایالات متحده آمریکا که بزرگ‌ترین واردکننده نفت در دنیا می‌باشد، قابل مشاهده است. در بحث تأمین غذاهای اساسی، این مسئله اهمیتی دوچندان می‌یابد. بر این اساس هرچه تعداد شرکای خارجی در تأمین غذاهای اساسی بیشتر باشند، انحصار طرف‌های تجاری کمتر شده و امنیت تأمین غذاهای اساسی با مخاطره کمتری مواجه خواهد بود.

شاخص: نسبت ارزش واردات از بزرگ‌ترین مبدأ واردات غذای اساسی به ایران، به کل ارزش

واردات این اقلام

توضیح شاخص: کاهش این نسبت نشان‌دهنده توزیع مناسب‌تر واردات از کشورهای مختلف است. هر اندازه این عدد کوچک‌تر باشد به معنای آن است که تعداد کشورهای صادرکننده غذاهای اساسی به ایران افزایش یافته است. اطلاعات گمرک در محاسبه این شاخص کفایت می‌کند. با توجه به حجم

۱. پیشنهاد می‌شود این شاخص با عنوان «ضریب وابستگی در غذاهای اساسی» نامگذاری شود.

قابل توجه واردات و در دسترس بودن اطلاعات به صورت ماهیانه، توصیه می‌شود این شاخص هر ماه محاسبه شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۳-۳-۳. کاهش وابستگی به کشورهای خاص در نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی

محدودیت واردات از کشورهای خاص، یکی دیگر از راهبردهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در راستای کاهش ضربه‌پذیری اقتصاد می‌باشد. منظور از کشورهای خاص، در حقیقت کشورهای متخاصم است که جهت‌گیری اصلی آنها در مسائل مربوط به جمهوری اسلامی ایران غالباً خصمانه و در راستای اعمال فشار بوده است. تعریف کشورهای متخاصم حائز اهمیت است که باید توسط مراجع قانونی تعیین شود، اما در این گزارش تعیین کشورهای متخاصم مورد نظر نیست.^۱

شاخص: مجموع حجم یا ارزش واردات نهاده‌ها و غذاهای اساسی از کشورهای خاص به مجموع واردات این اقلام

توضیح شاخص: کاهش این شاخص به معنای کاهش وابستگی به کشورهای متخاصم بوده و مطلوب است. منبع آماری آن سازمان گمرک می‌باشد و همانند شاخص قبل مناسب است که این شاخص به صورت ماهیانه رصد و گزارش شود. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۳-۳-۴. افزایش حجم و بهبود بازده ذخایر راهبردی غذایی

به منظور بررسی وضعیت ذخیره‌سازی غذاهای اساسی سه موضوع اهمیت دارد:

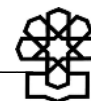
(الف) افزایش حجم ذخایر راهبردی؛

(ب) افزایش بازده ذخایر راهبردی؛

(ج) افزایش توان ماندگاری این ذخایر.

در سیاست‌های کلی ابلاغی، فقط به ایجاد ذخایر راهبردی اشاره شده است. در این بخش با مدنظر قرار دادن هر سه موضوع فوق، شاخص‌های متناسب معرفی می‌گردد.

۱. کشورهای نظیر آمریکا، کانادا، استرالیا و برخی کشورهای اروپایی را می‌توان مصداق کشورهای متخاصم دانست و واردات مستقیم یا غیرمستقیم اقلام اساسی غذایی از این کشورها باید بسیار محدود گردد.



شاخص ۱: نسبت حجم ذخایر راهبردی به مصرف ماهیانه غذاهای اساسی^۱

توضیح شاخص ۱: افزایش این شاخص نشان‌دهنده توسعه کمی ذخایر غذاهای اساسی است که مطلوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. در حالت ایدئال این شاخص باید به‌طور روزانه محاسبه شده و برای هر محصول، بسته به راهبردی بودن محصول به‌طور مجزا تهیه گردد. در صورتی که محاسبه روزانه امکان‌پذیر نباشد، تخمینی از میانگین ماهیانه نیز مطلوب خواهد بود. منبع آماری این شاخص، شرکت بازرگانی دولتی ایران^۲ می‌باشد و اطلاعات فوق دارای طبقه‌بندی محرمانه است. با توجه به اینکه آمارهای مصرف مبتنی بر تخمین‌های آماری می‌باشند، این شاخص به‌صورت تخمینی محاسبه می‌گردد.

شاخص ۲: نسبت تعداد سال‌هایی که سیل‌ها امکان حفظ غذاهای اساسی را دارند، به حداکثر تعداد سال‌های خشک متوالی طی یک دروه زمانی در گذشته

توضیح شاخص ۲: با توجه به موقعیت اقلیمی و وجود خشکسالی‌های دوره‌ای و همچنین تهدیدهای خارجی، ذخیره‌سازی و حفظ غذاهای اساسی به‌منظور استفاده در شرایط بحرانی، یک اصل خدشه‌ناپذیر است. این شاخص به‌گونه‌ای طراحی شده است که براساس وضعیت خشکسالی کشور در گذشته تعیین گردد. صورت این شاخص، تعداد سال‌هایی است که سیل‌ها توان حفظ غذای اساسی را دارند و مخرج آن حداکثر تعداد سال‌های متوالی خشکسالی در یک بازه معین در گذشته می‌باشد (به‌عنوان مثال حداکثر تعداد سال‌های خشک متوالی طی ۲۰ سال گذشته). هر اندازه این شاخص افزایش یابد نشان‌دهنده مقاومت بالاتر در مقابل نوسانات عرضه می‌باشد که ممکن است ناشی از خشکسالی یا هر عامل دیگری نظیر تحریم باشد. اطلاعات مربوط به این شاخص در اختیار شرکت بازرگانی دولتی ایران می‌باشد (به‌صورت محرمانه) و همان‌طور که در تعریف شاخص نیز اشاره شده بهتر است شاخص به‌صورت سالیانه اندازه‌گیری شود.

۳-۳-۵. رفع انحصار در مبادران واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی

انحصار در مبادران واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی یکی از عواملی است که می‌تواند ثبات عرضه و امنیت بازار این محصولات را با مخاطره مواجه کند. در همین راستا باید میزان واردات هر شخص حقیقی و حقوقی مورد توجه قرار گیرد و تلاش شود تا حد امکان سهم اشخاص حقیقی و حقوقی از کل واردات و بازار کالاهای اساسی در حد مناسبی حفظ شود.

۱. ناظر به هدف «افزایش حجم ذخایر راهبردی».

شاخص: نسبت واردات بزرگ‌ترین واردکننده حقیقی یا حقوقی به کل واردات در هر یک از نهاده‌ها یا غذاهای اساسی

توضیح شاخص: کاهش این شاخص به معنای کاهش انحصار در واردات کالاهای اساسی می‌باشد که مطلوب سیاست‌های کلی است. با توجه به اینکه ممکن است واردکنندگان طی ماه‌های مختلف اقدام به واردات نمایند، برای درک صحیح از انحصار وارداتی بهتر است شاخص به صورت فصلی اندازه‌گیری شود. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند. اطلاعات اشخاص حقیقی و حقوقی واردکننده، با طبقه‌بندی محرمانه در اختیار سازمان گمرک جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۳-۴. نظام پولی (ریالی و ارزی) و مالی

بندهای «۹» و «۱۹» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناظر به نظام پولی و مالی می‌باشد:

بند «۹»- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی

بند «۱۹»- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و...

موضوعات مورد توجه این بندها به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. کارکرد نظام مالی در ایجاد ثبات در اقتصاد ملی،
 ۲. پاسخگویی نظام مالی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی آن در تقویت بخش واقعی اقتصاد،
 ۳. ایجاد شفافیت اقتصادی و سالم‌سازی آن در حوزه پولی، مالی و ارزی.
- در این بخش، شاخص‌های مرتبط با دو مورد اول، یعنی کارکرد نظام مالی در ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پاسخگویی نظام مالی به نیازهای اقتصاد ملی معرفی می‌گردد. شاخص‌های تبیین‌کننده شفافیت در حوزه پولی و ارزی، در بخش مربوط به شفافیت اطلاعات و سلامت اقتصادی به تفصیل معرفی خواهد شد.

۳-۴-۱. ایجاد ثبات در اقتصاد ملی

۳-۴-۱-۱. ثبات اقتصاد کلان

شاخص ۱: نرخ تورم و واریانس آن

توضیح شاخص ۱: یکی از مهمترین شاخص‌های اقتصاد کلان، تورم است که بر همه پارامترهای اقتصادی سایه می‌افکند. عمده کشورها توانسته‌اند تورم را مهار کنند، ولی متأسفانه کشور ما در سال‌های اخیر جزء چهار کشور دارای بالاترین نرخ تورم جهان بوده است. علاوه بر عدد مطلق تورم،



نوسانات نرخ تورم نیز عامل مهمی است که نشان‌دهنده عدم ثبات اقتصادی بوده و موجب افزایش ریسک فعالان اقتصادی می‌شود و توان برنامه‌ریزی آنان را کاهش می‌دهد. به‌عنوان شاخصی از نوسانات تورم، می‌توان واریانس این متغیر را مورد استفاده قرار داد. نرخ تورم به‌صورت ماهیانه توسط بانک مرکزی و مرکز آمار محاسبه و منتشر می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص مبتنی بر تخمین‌های آماری می‌باشد و براساس نمونه‌گیری انجام می‌شود.

شاخص ۲: اختلاف نرخ ارز حقیقی و نرخ ارز رسمی

توضیح شاخص ۲: نرخ ارز یا ضریب تبدیل پول ملی با ارزهای کشورهای دیگر، همواره باید با توجه به اختلاف نرخ تورم دو کشور تعدیل شود تا برابری قدرت خرید مردم و همچنین رقابت‌پذیری تولیدات دو کشور، در وضعیت قبلی حفظ شود. به‌منظور تسهیل در محاسبه نرخ ارز حقیقی، می‌توان نرخ ارز تعدیل شده براساس نرخ تورم متوسط جهانی را شاخص نرخ ارز حقیقی در نظر گرفت. هرچه نرخ ارز اسمی (نرخ رسمی یا نرخ بازار) از نرخ ارز حقیقی کمتر باشد، به معنی تشویق واردات و کاهش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی کشور است. نرخ ارز به‌صورت روزانه توسط بانک مرکزی منتشر می‌شود و می‌توان میانگین این نرخ در طول ماه را با نرخ ارز حقیقی (تعدیل شده با نرخ تورم) مقایسه کرد. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۳: بزرگ‌ترین سهم واحدهای ارزی مختلف در سبد دارایی‌های ارزی بانک مرکزی و

شبکه بانکی

توضیح شاخص ۳: وابستگی کشور به واحد ارزی خاص، می‌تواند در شرایط خاص نظیر تحریم، موجبات تلاطمات اقتصادی را ایجاد نماید. لذا لازم است دارایی‌های ارزی کشور، در قالب یک سبد ارزی متنوع نگهداری شود. افزایش نسبت یک ارز خاص در سبد ارزی کشور نشان‌دهنده وضعیت هشدار خواهد بود. البته باید توجه داشت که آنچه مطلوب است، استفاده از همه ارزها در تجارت خارجی، متناسب با کشور طرف تجاری است و تنوع‌بخشی به ترکیب پرتفوی ارزی کشور از حیث تجارت مهم است، نه از جهت ذخایر ارزی.

بر این اساس پس از محاسبه سهم ارزهای مختلف در سبد ارزی کشور، کوچک‌تر بودن بزرگ‌ترین سهم، نشان‌دهنده وضعیت مناسب‌تر ارزی کشور خواهد بود. سبد ارزی کشور نیز متشکل از ذخایر ارزی بانک مرکزی و دارایی‌های ارزی شبکه بانکی و صرافی‌هاست. اطلاعات مربوط به ذخایر ارزی بانک مرکزی و شبکه بانکی، با طبقه‌بندی محرمانه، به‌صورت آنلاین قابل دسترسی است. با اضافه شدن صرافی‌ها به سامانه سنا نیز، سبد ارزی آنها قابل رصد خواهد بود، لذا محاسبه این شاخص در بازه‌های

سه یا ۶ ماهه امکانپذیر است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق بوده و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیست.

مشکلی که درخصوص این شاخص وجود دارد آن است که بانک مرکزی و بانک‌ها به‌منظور مدیریت پرتفوی ارزی خود، به‌صورت روزانه اقدام به خرید و فروش ارزهای مختلف می‌نمایند و لذا «بزرگ‌ترین سهم واحدهای ارزی در سبد ارزی کل سیستم بانکی» به‌صورت روزانه (و بلکه لحظه‌ای) تغییر می‌کند، لذا از ارائه آن به‌عنوان شاخص سنجش اقتصاد مقاومتی در بخش ارزی صرفنظر می‌شود.

۲-۱-۴-۳. ثبات نظام بانکی

شاخص ۱: متوسط نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها

توضیح شاخص ۱: کفایت سرمایه عبارت است از نسبت سرمایه بانک به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک و یکی از شاخص‌هایی است که بانک‌های مرکزی در دنیا از آن برای نظارت بر شبکه بانکی استفاده می‌کنند. این نسبت، شاخصی از کارآیی بانک در تخصیص و همچنین ریسک بانک است. در ایران طبق آیین‌نامه کفایت سرمایه مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ شورای پول و اعتبار، این نسبت برای همه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حداقل ۸ درصد تعیین شده است. بانک مرکزی به‌صورت مستمر اطلاعات مربوط به سرمایه و دارایی‌های بانک‌ها را دریافت کرده و شاخص کفایت سرمایه را محاسبه می‌کند. در صورت توسعه سامانه‌های نظام بانکی، این امکان فراهم می‌آید که بانک مرکزی بتواند به‌صورت آنلاین شاخص کفایت سرمایه بانک‌ها را پایش کند.

البته باید توجه داشت که بالا بودن نسبت کفایت سرمایه نیز مطلوب نیست و نشان از عدم کارایی بانک در استفاده از منابع در اختیارش دارد. لذا به‌منظور سنجش ثبات نظام مالی، بهتر است میانگین نسبت کفایت سرمایه، برای بانک‌هایی که کفایت سرمایه پایین‌تر از ۸ درصد دارند محاسبه گردد. همچنین از آنجا که تعداد بانک‌هایی که دارای نسبت کفایت سرمایه کمتر از حد مجاز هستند نیز، در ارزیابی ثبات نظام مالی (و به‌طور خاص ریسک نظام بانکی) مؤثر است، لازم است تا تعداد بانک‌های مذکور نیز در شاخص لحاظ گردد. ضمن توجه به این نکات، به‌دلیل احراز از پیچیدگی‌های محاسباتی و مفهومی، شاخص معرفی شده در این بخش، صرفاً میانگین کفایت سرمایه کلیه بانک‌ها را در نظر گرفته است.

شاخص ۲: سود حقیقی سپرده‌ها و تسهیلات

توضیح شاخص ۲: نرخ سود حقیقی (نرخ سود اسمی منهای تورم) به رفتار آحاد اقتصادی جهت می‌دهد. متأسفانه در دهه‌های اخیر،^۱ جز سال‌های معدودی، نرخ سود حقیقی منفی بوده است و موجب اختلال در سازوکار بازار پول شده است و زمینه فساد و رانت‌جویی در نظام بانکی را فراهم

۱. بانک مرکزی ایران، پژوهشکده پولی و بانکی.



آورده است.

منفی بودن نرخ سود حقیقی، هم در حوزه سپرده‌ها و هم در حوزه تسهیلات، دارای تبعات زیانباری است. در صورت منفی بودن نرخ سود حقیقی سپرده‌های بانکی، عملاً انگیزه نگهداری پول در بانک‌ها کاهش یافته و منابع مالی به‌جای تجمیع در نظام بانکی، به سمت سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در بازارهای غیرمولد سوق داده می‌شود. ازسوی دیگر منفی بودن نرخ سود تسهیلات مبادله‌ای، موجب ایجاد رانت بزرگی در این‌گونه تسهیلات می‌شود و تقاضای دریافت این نوع تسهیلات را افزایش می‌دهد. البته طبیعی است که بانک‌ها به‌منظور تضمین سودآوری خود، در صورتی که نرخ سود حقیقی تسهیلات مبادله‌ای منفی باشد، به اعطای تسهیلات مشارکتی با نرخ‌های سود بالا روی می‌آورند.

با توجه به اینکه تسهیلات و سپرده‌ها دارای انواع متنوعی است، محاسبه نرخ سود متوسط برای کل سپرده‌ها و تسهیلات نیازمند به‌کارگیری روش خاص بوده و زمانبر می‌باشد، لذا محاسبه این شاخص می‌تواند به‌صورت سالیانه و بر مبنای روش‌های بانک مرکزی انجام شود. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۳: اختلاف نرخ سود سپرده و تسهیلات

توضیح شاخص ۳: مابه‌التفاوت نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات، در واقع حق‌الوکاله بانک است. هرچه این مقدار کمتر باشد نشان‌دهنده کارآیی بیشتر نظام بانکی و پایین بودن هزینه‌های واسطه‌گری وجوه توسط بانک خواهد بود. محاسبه این شاخص نیز با مشکلی مشابه شاخص ۲ مواجه است و لذا باید به‌صورت سالیانه و بر مبنای اطلاعات بانک مرکزی محاسبه گردد. اطلاعات مربوط به این شاخص، اطلاعات دقیقی هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۲-۴-۳. پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد

قرض الحسنه

شاخص: نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه

توضیح شاخص: در نظام بانکی کشور جذب سپرده تحت دو عنوان قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) و سرمایه‌گذاری انجام می‌شود. مطابق ماده (۸۶) قانون برنامه پنجم توسعه و به‌تبع آن، سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی پس از سال ۱۳۹۰، کلیه سپرده‌های قرض‌الحسنه باید صرفاً به امر اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص یابد. لذا از سال ۱۳۹۰، نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه به شکل محسوسی افزایش یافته است (از کمتر از ۵۰ درصد به بیش از ۷۰ درصد).^۱

۱. بررسی قرض‌الحسنه در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مطالعات نشان می‌دهد نحوه تخصیص تسهیلات قرض الحسنه و جامعه هدف این تسهیلات، بسیار غیرشفاف و فاقد مقررات یا ضمانت اجراست. برای مثال بخش قابل توجهی از سپرده‌های قرض الحسنه به تسهیلات «رفع احتیاجات ضروری کارکنان بانک‌ها» اختصاص می‌یابد و متقاضیان غیربانکی عموماً با دشواری‌های جدی در دسترسی به تسهیلات قرض الحسنه مواجه هستند. بر این اساس با توجه به بالا بودن نسبت تسهیلات به سپرده‌های قرض الحسنه و عدم دسترسی به اطلاعات جزئی نحوه تخصیص این تسهیلات، امکان معرفی شاخصی مفید در این خصوص وجود ندارد.

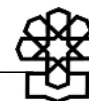
۱-۲-۴-۳. دارایی‌های ناسالم نظام بانکی

به دلیل فقدان سامانه‌هایی که امکان نظارت دقیق بر نحوه هدایت و تخصیص منابع در سیستم بانکی را در اختیار مقام سیاستگذار و ناظر نظام پولی قرار دهد، عملاً صحت بسیاری از اطلاعات موجود در حوزه تخصیص منابع، محل تردید است. به بیان دیگر، هرچند سامانه‌هایی نظیر «سامانه جامع اطلاعات مشتریان» توسط بانک مرکزی راه‌اندازی شده است، اما صحت اطلاعات ثبت شده در این سامانه در مورد مقصد تسهیلات، چندان دقیق نبوده و قابل راستی‌آزمایی نیست. بر این اساس، به منظور سنجش «پاسخگویی نظام بانکی به نیازهای اقتصاد ملی»، تدوین شاخص‌های ایجابی که مبتنی بر اطلاعات صحیح و دقیق باشند عملاً غیرممکن است و لذا برای ارزیابی این مفهوم، شاخص‌های سلبی معرفی خواهند شد.

شاخص ۱: نسبت مطالبات غیرجاری در کل شبکه بانکی به کل مطالبات شبکه بانکی پس از کسر مطالبات استمهال شده

توضیح شاخص ۱: مهمترین نوع دارایی بانک‌ها، مطالبات از اشخاص است که شامل تسهیلات اعطایی و تعهدات ایفا شده بانک‌ها به نفع اشخاص است. در برخی موارد به دلیل عدم ارزیابی و نظارت صحیح بانک و یا به دلیل ورشکستگی و اعسار تسهیلات‌گیرنده، شخص قادر به بازپرداخت مطالبات نبوده و در سرفصل مطالبات غیرجاری قرار می‌گیرد. آیین‌نامه وصول مطالبات غیرجاری مصوب ۱۳۸۸/۸/۳ این مطالبات را به سه دسته سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول تقسیم می‌نماید. هرچه نسبت مطالبات غیرجاری به کل مطالبات بیشتر باشد نشان‌دهنده وضعیت نامناسب‌تر بانک و کاهش توان تسهیلات‌دهی بانک‌هاست. بانک مرکزی اطلاعات مربوط به این شاخص را به صورت مستمر از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دریافت می‌کند. این شاخص در بازه‌های زمانی ماهیانه قابل محاسبه است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

نکته‌ای که در خصوص این شاخص وجود دارد آن است که بعضاً بانک‌ها به منظور مناسب نشان دادن وضعیت مالی خود (یا بنابر تکالیف قانونی به آنها)، اقدام به امهال و تقسیط مجدد مطالبات



غیرجاری می‌کنند. در این صورت شاخص معرفی شده به صورت غیرواقعی و صرفاً به دلیل یک عملیات تغییر سرفصل مطالبات، بهبود وضعیت سیستم بانکی را نشان خواهد داد. به همین دلیل لازم است تا در مخرج کسر، «کل مطالبات شبکه بانکی پس از کسر مطالبات استمهال شده» قرار گیرد تا آثار چنین اقدامی بر بهبود شاخص حذف شود.

شاخص ۲: میانگین نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام در شبکه بانکی
توضیح شاخص ۲: یکی از مهمترین اقلام دارایی‌های بانک‌ها دارایی‌های ثابت آنها است که شامل اموال غیرمنقول (زمین و ساختمان و...) و اموال منقول (ماشین‌آلات، تجهیزات، وسایل نقلیه و اثاثیه) می‌شود. کارکرد واسطه و جوه بودن بانک‌ها ایجاب می‌کند بانک‌ها دارایی‌های ثابت را صرفاً از محل منابع سهامداران تأمین کنند و منابع سپرده‌گذاران را در این فرآیند دخیل نکنند. شورای پول و اعتبار نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام، پس از کسر سود انباشته و سود قطعی نشده را حداکثر ۳۰ درصد مشخص کرده است. لکن بررسی وضعیت فعلی این نسبت برای بانک‌های مختلف کشور نشان از تخلف قابل توجه بانک‌ها دارد و رصد این نسبت در بازه‌های ۳ یا ۶ ماهه می‌تواند شاخصی از عملکرد بانک‌ها به عنوان واسطه و جوه باشد. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه این شاخص، پس از تهیه صورت‌های مالی سه ماهه بانک‌ها محاسبه می‌شود و بانک مرکزی می‌تواند از بانک‌ها مطالبه کند. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۳: میانگین نسبت مجموع تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط (ذینفع واحد) به سرمایه بانک‌ها

توضیح شاخص ۳: پیشگیری از تبدیل شدن بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به منبع تأمین مالی اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بانک (شرکت‌های تابعه و وابسته بانک‌ها) و کاهش مخاطرات ناشی از آن بسیار ضروری است. لذا شورای پول و اعتبار در آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط مصوب ۱۳۸۹/۸/۲۸ ضمن معرفی اشخاص مرتبط، مشخص کرده است خالص مجموع تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط نمی‌تواند از ۲۵ درصد مجموع سرمایه پرداخت شده و اندوخته مؤسسه اعتباری تجاوز کند.

متأسفانه این نسبت در پایان سال ۱۳۹۲، به طور میانگین در کل شبکه بانکی ۳۹ درصد بوده است^۱ که نشان از تخلف بالای بانک‌ها در این خصوص دارد. با توجه به عدم شفافیت بسیار بالایی که در تشخیص اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بانک‌ها وجود دارد، احتمال کم‌برآورد شدن اطلاعات

۱. درآمدی بر وضعیت بانک‌های کشور در پایان سال ۱۳۹۲، معاونت نظارتی بانک مرکزی.

مربوط به این شاخص نسبتاً بالاست. دسترسی به اطلاعات این شاخص بر مبنای صورت‌های مالی سه‌ماهه بانک‌ها امکان‌پذیر است و حسب درخواست بانک مرکزی، قابل محاسبه برای کل شبکه بانکی است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۲-۴-۳. چک برگشتی

شاخص: نسبت تعداد چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله‌شده

توضیح شاخص: در حال حاضر چک، علاوه بر ابزار پرداخت نقد که کارکرد اصلی آن است، به‌عنوان نهاد خریدمدت‌دار (ضمانت پرداخت) در اقتصاد جایگاه پیدا کرده است و سالیانه بالغ بر ۵۰ میلیون برگ چک در کشور تبادل می‌شود.^۱ افزایش تعداد چک‌های برگشتی ضمن بی‌اعتبار ساختن نهاد خرید مدت‌دار موجب تحمیل هزینه‌های گزافی به دولت و مردم می‌شود. لذا نسبت چک‌های برگشت شده به کل چک‌های مبادله‌شده (براساس مبلغ و تعداد) می‌تواند نمایانگر اعتبار چک و کارآمدی مجموعه قوانین حقوقی و بانکی برای جلوگیری از چک برگشتی است. اطلاعات مرتبط با چک برگشتی در سامانه بانک مرکزی موجود است. بازه زمانی مناسب این شاخص سال است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

۳-۴-۳. شاخص‌های معطوف به بازار سرمایه

شاخص ۱: نسبت مجموع ارزش عرضه اولیه سهام و افزایش سرمایه بنگاه‌ها در بورس اوراق بهادار، به کل حجم معاملات بازار سهام

توضیح شاخص ۱: تأمین مالی در کشور ما بانک‌محور است و لذا برای ایجاد یک اقتصاد پایدار و باثبات، لازم است تا بورس اوراق بهادار و بورس کالا نیز نقش مثبتی در این تأمین مالی ایفا کند. برای بررسی این موضوع که بورس اوراق بهادار تا چه حد توانسته است در تأمین مالی شرکت‌ها از طریق افزایش سرمایه نقش مؤثر ایفا کند، رصد نسبت مجموع عرضه اولیه سهام و افزایش سرمایه شرکت‌های بورسی در یک مقطع زمانی به کل سرمایه شرکت‌های بورسی، شاخصی است که افزایش آن نشان از بازدهی بازار بورس دارد. منبع این شاخص سازمان بورس است و رصد سالیانه آن مناسب است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۲: ارزش کل معاملات بازار فیزیکی بورس انرژی و بورس کالای ایران، نسبت به تولید ناخالص داخلی

توضیح شاخص ۲: بورس‌های کالایی در نظام مالی کشورهای مختلف، نقش‌های مثبت فراوانی ایفا

۱. بر اساس گزارشات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



می‌کنند. کشف صحیح و عادلانه قیمت، امکان مدیریت ریسک نوسانات قیمت برای بنگاه‌ها، تأمین مالی بنگاه‌ها و فعالان بازار، کاهش هزینه‌های مبادله (نکول و تضمین قراردادهای)، کمک به بهبود سیاستگذاری در حوزه بازارهای کالایی کشور، ارتقا و استانداردسازی کیفیت کالاها و... از جمله کارکردهای مفید بورس‌های کالایی است. با توجه به اینکه از یک سو در حال حاضر سهم بورس‌های کالایی (اعم از بورس کالا و بورس انرژی) در نظام مالی ایران اندک است و ظرفیت بالقوه قابل توجهی به‌منظور توسعه این بخش وجود دارد و از سوی دیگر بورس‌های کالایی می‌توانند سهم مهمی در «ایجاد ثبات در اقتصاد ملی» و همچنین «پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی» ایفا کنند، سهم بورس‌های کالایی از کل نظام مالی کشور شاخص مناسبی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام مالی است.

شاخصی که به این منظور معرفی شده است، ارزش کل معاملات فیزیکی بورس انرژی و بورس کالای ایران را در نظر می‌گیرد. علت مد نظر قرار ندادن ارزش معاملات مشتقه این دو بورس آن است که افزایش معاملات مشتقه عمدتاً به معنی افزایش فعالیت‌های سفته‌بازی در بازار است و موجب افزایش نقدشوندگی بازار می‌شود، لکن تأثیر ویژه‌ای در ثبات یا پاسخگویی به نیازهای بخش واقعی اقتصاد ندارد. همچنین از تولید ناخالص داخلی اسمی، به‌عنوان متغیری که می‌تواند نوعی استانداردسازی انجام دهد استفاده شده است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق (مبتنی بر سرشماری) بوده و از شرکت‌های بورس انرژی و بورس کالای ایران قابل دریافت است. محاسبه این شاخص نیز در بازه‌های زمانی ماهیانه یا فصلی پیشنهاد می‌شود.

۳-۵. صادرات، مناطق آزاد، دیپلماسی اقتصادی

بندهای «۱۰»، «۱۱» و «۱۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناظر به صادرات، مناطق آزاد و دیپلماسی اقتصادی است:

بند «۱۰»- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش‌افزوده و با

خالص ارزش‌آوری مثبت از طریق

۱. تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
 ۲. گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
 ۳. تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
 ۴. برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه.
 ۵. استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
 ۶. ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- بند «۱۱»-** توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته،

گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

بند «۱۲» - افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:

۱. توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان.

۲. استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدفهای اقتصادی.

۳. استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

موضوعات مورد توجه این بندها به سه زیر بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات:

- به تناسب ارزش افزوده،

- با خالص ارزآوری مثبت.

۲. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور:

- انتقال فناوری‌های پیشرفته،

- گسترش و تسهیل تولید،

- صادرات کالا و خدمات،

- تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۳. استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از اهداف اقتصادی:

- توسعه پیوندهای راهبردی با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان،

- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

۱-۵-۳. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات

در این بند افزایش صادرات نشانه گرفته شده است، البته دو قید مهم به این افزایش اضافه کرده است که جهت‌گیری صادرات را در اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد. ارزش افزوده بالا و ارزآوری مثبت، دو قید اساسی هستند که به بحث صادرات ضمیمه شده‌اند. مسئله اصلی مورد نظر این بند «حمایت» از صادرات است که در این راستا راهکارهایی نیز از قبیل ایجاد ثبات رویه و مقررات، استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری، گسترش مشوق‌های لازم و ... ارائه شده است. سنجش «حمایت» و تدوین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری آن که به خوبی بتوانند آن را اندازه بگیرند چندان قابل انجام نیست بر این اساس امکان تدوین شاخص‌هایی که بتوانند راهکارهای حمایت از صادرات را رصد کنند وجود ندارد و به همین دلیل در این بخش سعی شده است تا شاخص‌هایی تدوین شود که بتواند خروجی سیاست‌های حمایتی را اندازه‌گیری کند.



شاخص ۱: نسبت صادرات غیرنفتی و غیرمعدنی به کل صادرات

توضیح شاخص ۱: افزایش این شاخص به معنای افزایش صادرات غیرخام ایران است و نشان‌دهنده موفقیت سیاست‌های حمایتی در حمایت از صادرات است که مورد توجه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است، با توجه به اینکه آمار مربوط به ارزش افزوده که توسط مرکز آمار تولید می‌شود به‌گونه‌ای نیست که بتوان ارزش افزوده بخش صادرات را مورد سنجش قرار داد، تعریف شاخصی که مبتنی بر ارزش افزوده صادرات باشد امکان‌پذیر نیست. با توجه به اینکه صادرات مواد خام و اولیه در تضاد صریح با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است در این بخش صادرات مربوط به آنها حذف شده است. منابع آماری مربوط به این شاخص در اختیار گمرک است و اندازه‌گیری ماهیانه یا فصلی آن توصیه می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۲: حجم مبادلات مربوط به پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه به حجم مبادلات کشور

توضیح شاخص ۲: یکی از موانع فعلی که در مسیر صادرات و واردات مشکلات جدی به وجود آورده است و در آینده نه چندان دور ممکن است مشکلاتی به مراتب بزرگ‌تر نیز به وجود آورد، وابستگی تجارت کشور به ارزهای جهان‌روا از قبیل دلار و یورو است، یکی از بهترین راه‌های غلبه بر این مشکل جایگزینی آن با سازوکارهای تهاتری است که در متن سیاست‌ها نیز به آن اشاره شده است، برای انجام تهاتر مکانیسم‌های مختلفی وجود دارد، اما مؤثرترین مکانیسم و بادوام‌ترین آن پیمان پولی دو یا چندجانبه است که مورد توجه تعداد قابل توجهی از کشورهای دنیا نیز قرار گرفته است. اطلاعات مربوط به این شاخص که افزایش آن مطلوب می‌باشد، در اختیار بانک مرکزی و گمرک است و با توجه به اهمیت زیاد آن مناسب‌تر آنست که به‌صورت ماهیانه یا فصلی اندازه‌گیری و رصد شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۳: هزینه صادرات یک کانتینر ۲۰ فوتی بر مبنای دلار آمریکا^۱

توضیح شاخص ۳: این شاخص یک شاخص استاندارد است که بانک جهانی برای مقایسه هزینه‌های صادرات در کشورهای مختلف استفاده می‌کند، کاهش این شاخص به معنای کاهش هزینه‌های صادرات و در واقع سهولت صادرات است که می‌تواند یکی از اهرم‌های مناسب برای حمایت از صادرات باشد. البته هزینه‌های سال‌های مختلف باید پس از حذف آثار تورمی مورد توجه قرار گیرند. به‌علاوه باید اشاره کرد که هزینه‌های مربوط به تعرفه‌ها و مالیات‌ها در این شاخص در نظر گرفته نشده است. منبع آماری این آمار در اختیار سازمان توسعه صادرات است که البته به‌صورت عمومی منتشر

1. Cost to export (US\$ per container) – World Bank

نمی‌شود، بانک جهانی نیز سالیانه این عدد را براساس آمار رسمی خود کشورها به صورت عمومی منتشر می‌کند. با توجه به اینکه آمارهای مربوط به این شاخص به صورت سالیانه اعلام می‌شود، اندازه‌گیر و رصد آن نیز به صورت سالیانه خواهد بود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۴: تعداد مدارک لازم برای صادرات

توضیح شاخص ۴: کاهش این شاخص به معنای کاهش فرآیند اداری صادرات کالا است که در نهایت سهولت صادرات را به همراه خواهد داشت. همانند شاخص ۳، منابع آماری این شاخص در اختیار سازمان توسعه صادرات است که البته به صورت عمومی منتشر نمی‌شود، اما این شاخص همانند شاخص قبلی در بانک جهانی تعریف شده است و به صورت سالیانه براساس آمارهای رسمی کشورها منتشر شده و در سایت بانک جهانی ارائه می‌شود. اندازه‌گیری این شاخص نیز به صورت سالیانه خواهد بود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۵: مدت روزهای در انتظار برای صادرات

توضیح شاخص ۵: این شاخص نیز شاخصی استاندارد است که بانک جهانی اعلام می‌کند. این شاخص که کاهش آن مطلوب است کارکردی مشابه شاخص‌های ۳ و ۴ دارد؛ منابع آماری و بازه اندازه‌گیری آن نیز مشابه این دو شاخص خواهد بود.

شاخص ۶: درجه تمرکز کالاهای صادراتی

توضیح شاخص ۶: این شاخص در راستای سنجش حمایت هدفمند از صادرات تدوین شده است، این شاخص در حقیقت به نوعی تنوع مقاصد صادراتی را می‌سنجد، هر اندازه عدد این شاخص بزرگتر باشد به معنای تمرکز بالای صادرات است که از منظر اقتصاد مقاومتی مطلوب نیست، زیرا به آسیب‌پذیری هر چه بیشتر کشور منجر می‌شود، منابع آماری این شاخص در گمرک موجود می‌باشد و رصد و سنجش سالیانه آن مطلوب است.

شاخص ۷: رابطه مبادله تجاری غیرنفتی

توضیح شاخص ۷: این شاخص که در حقیقت نسبت ارزش واحد کالاهای وادراتی به ارزش واحد کالاهای صادراتی است، تلاش می‌کند تا به لحاظ ارزشی، واردات و صادرات کشور را مقایسه کند، کاهش آن به معنای افزایش کیفیت محصولات صادراتی است که مطلوب سیاست‌هاست، این شاخص



براساس آمارهای گمرک قابل اندازه‌گیری است و اندازه‌گیری سالیانه آن مطلوب است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۸: سهم کشورهای منطقه از کل تجارت ایران

توضیح شاخص ۸: در این شاخص منظور از منطقه، خاورمیانه است، افزایش این شاخص به معنای افزایش تبادلات تجاری با کشورهای خاورمیانه است که مورد توجه سیاست‌های کلی بوده و مطلوب می‌باشد. آمارهای مربوط به این شاخص در اختیار گمرک جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، و بازه زمانی مناسب برای رصد آن بازه یکساله است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۹: ارزش ترانزیت انجام شده از مسیر کشور

توضیح شاخص ۹: افزایش این شاخص به معنای بهره‌مندی هر چه بیشتر از یکی از مهمترین مزایای اقتصادی کشور است که هم از منظر اقتصادی و هم از منظر سیاسی منجر به افزایش مقاومت کشور در مواجهه با تهدیدهای بیرونی می‌شود. سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای کشور سالیانه تمامی آمارهای مربوط به این شاخص را در سالنامه آماری خود منتشر کرده و در اختیار عموم قرار می‌دهد در نتیجه بازه زمانی مناسب برای اندازه‌گیری این شاخص، سال است.

۲-۵-۳. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور

با توجه به توضیحاتی که در متن سیاست‌های ابلاغی ارائه شده است، مشخص می‌شود که توسعه مناطق آزاد باید در راستایی باشد که موجب انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید و صادرات کالا و خدمات شود. بر این اساس در این بخش شاخص‌هایی مبتنی بر این نتایج تدوین شده است. ارزیابی فناوری‌های پیشرفته همان‌گونه که در بخش اقتصاد دانش‌بنیان نیز اشاره شده، با توجه به عدم شفافیت در تعریف این فناوری‌ها و همچنین با توجه به عدم تولید آمارهای صادرات و واردات به گونه‌ای که براساس سطح فناوری قابل تفکیک باشند امکانپذیر نیست و در نتیجه استخراج شاخص برای آن نیز ممکن نخواهد بود. در این مورد حتی اگر بخواهیم به تقسیم‌بندی OECD از فناوری‌های پیشرفته استناد کنیم آنچه در متن سیاست‌ها مورد توجه قرار گرفته است بحث انتقال فناوری‌های پیشرفته است که در وضعیت فعلی به هیچ عنوان قابلیت شاخص‌سازی و رصد را ندارد. در حال حاضر قالب فعالیت‌های مناطق آزاد به صورت تجاری است و چندان جهت‌گیری تولیدی ندارد، به هر حال آمارهای مربوط به مناطق آزاد فاقد بخش تولید است در نتیجه سنجش این فاکتور قابل انجام نیست و نمی‌توان برای آن شاخص تدوین کرد. از بین مسائل مهم مناطق آزاد که مورد توجه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است، تنها بحث صادرات قابل شاخص‌گذاری و سنجش است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

شاخص ۱: نسبت صادرات به واردات در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

توضیح شاخص ۱: این شاخص تلاش می‌کند تا موفقیت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را در راستای تسهیل صادرات اندازه‌گیری کند. افزایش این شاخص به معنای غلبه صادرات بر واردات در این بخش است و نشان می‌دهد که بخش بیشتر فعالیت‌های تجاری این مناطق در راستای صادرات است. منابع آماری این شاخص در اختیار گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان مناطق آزاد و ویژه است و رصد آن باید به صورت ماهیانه یا فصلی انجام شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۲: نسبت صادرات از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به مجموع صادرات غیرنفتی

توضیح شاخص ۲: این شاخص نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را در صادرات کشور می‌سنجد و افزایش آن به معنای افزایش صادرات از مسیر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است که یکی از کارکردهای مورد نظر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. منابع آماری این شاخص در اختیار مرکز آمار ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و سازمان مناطق آزاد و ویژه اقتصادی می‌باشد و رصد آن باید به صورت ماهیانه یا فصلی انجام شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۳-۶. نفت، گاز و حوزه انرژی

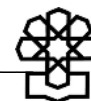
بندهای «۱۳»، «۱۴»، «۱۵» و «۱۸» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناظر به حوزه نفت، گاز و انرژی می‌باشد:

بند «۱۳»- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:

۱. انتخاب مشتریان راهبردی.
۲. ایجاد تنوع در روش‌های فروش.
۳. مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
۴. افزایش صادرات گاز.
۵. افزایش صادرات برق.
۶. افزایش صادرات پتروشیمی.
۷. افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.

بند «۱۴»- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز

و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک.



بند «۱۵»- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

بند «۱۸»- افزایش سالیانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

موضوعات مورد توجه این بندها را می‌توان به چهار بخش اصلی تقسیم کرد:

۱. قطع وابستگی مستقیم به درآمدهای نفتی در بلندمدت،
۲. کاهش ضربه‌پذیری ناشی از درآمد حاصل از صادرات خام نفت و گاز در کوتاه‌مدت،
۳. اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز،
۴. تکمیل زنجیره ارزش افزوده نفت و گاز.

۱-۶-۳. قطع وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی در بلندمدت

وابستگی مستقیم به درآمدهای نفتی مستقل از وجود تحریم‌ها، یکی از موانع مهم پیشرفت است که از گذشته مورد توجه مسئولین نظام بوده و راهکارهای متنوعی برای کاهش و حذف آن استفاده شده است. در سال‌های اخیر استفاده از مکانیسم صندوق توسعه ملی برای کاهش این وابستگی به‌کار گرفته شده که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مجدداً بر آن تأکید شده است. در حقیقت افزایش سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی، در صورتی که دولت‌ها با منابع این صندوق همانند منابع حاصل از صادرات نفت برخورد نکنند، کشور را برای همیشه در مقابل تحریم‌های نفتی ایمن می‌نماید و گامی مؤثر در راستای حذف یکی از جدی‌ترین موانع پیشرفت است. با توجه به وجود الزام قانونی در برنامه پنجم توسعه برای افزایش سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز، تأکید مجدد به این موضوع در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به این معناست که در برنامه ششم هم علیرغم فشار تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی، این رویه همچنان باید ادامه یابد.

شاخص: سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز

توضیح شاخص: براساس سیاست‌های کلی، به‌منظور قطع وابستگی مستقیم به درآمدهای نفتی، افزایش این شاخص مطلوب است. براساس ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم، از سال ۱۳۹۰، سالیانه حداقل معادل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت‌خام و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در طی برنامه و حداقل ۲۰ درصد ارزش صادرات تهاتری این اقلام باید به حساب صندوق واریز گردد و هر سال به میزان ۳ درصد افزایش یابد. با توجه به این توضیحات، سنجش شاخص باید به‌صورت سالیانه انجام پذیرد و منبع آمارهای مربوطه نیز، صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی می‌باشد.

اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۲-۶-۳. کاهش ضربه‌پذیری ناشی از درآمد حاصل از صادرات خام نفت و گاز در کوتاه‌مدت

در بند «۱۸»، قطع وابستگی بودجه به نفت از طریق افزایش سالیانه سهم صندوق توسعه ملی مورد توجه قرار گرفته است که راهکاری بلندمدت برای حل مشکل وابستگی مستقیم به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام می‌باشند. با توجه به وضعیت فعلی کشور و وابستگی مستقیم بخش قابل توجهی از بودجه به درآمدهای نفتی، در کوتاه‌مدت امکان قطع کامل وابستگی مستقیم به درآمدهای نفتی بسیار دشوار است. بر این اساس در بند «۱۳» تلاش شده است تا راهکارهایی برای کاهش ضربه‌پذیری ناشی از وابستگی به درآمدهای نفتی و کاهش آثار تحریم‌ها ارائه گردد، که در کوتاه‌مدت امری ضروری و ناگزیر است. در این بند، بهبود فرآیندهای فروش نفت خام (اجزاء «الف»، «ب» و «ج» بند «۱۳») و تنوع‌بخشی به سبد صادراتی بخش انرژی به‌منظور کاهش سهم نفت خام (اجزاء «د» تا «ز» بند «۱۳») به‌عنوان راهکارهای اصلی کاهش ضربه‌پذیری ناشی از وابستگی به درآمدهای نفتی بیان شده است.

شاخص: نسبت درآمدهای نفتی غیرقابل دسترس به مجموع درآمدهای نفتی

توضیح شاخص: درآمدهای نفتی در حال حاضر شامل درآمدهای نقدی و تهاتری می‌شوند، هدف اصلی بند «۱۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در واقع کاهش آثار تحریم و افزایش درآمدهای بلوکه نشده است، در این بخش می‌توان نسبت درآمدهای بلوکه نشده را به‌عنوان شاخص در نظر گرفت، اما در این صورت باید آمار بخش تهاتری و فروش نقدی را جمع‌آوری کرد که بسیار دشوار است، برای حل این مشکل شاخص براساس درآمدهای نفتی بلوکه شده تعریف شده است که کاهش آن مطلوب می‌باشد. فارغ از شرایط تحریم در شرایط طبیعی، تسویه حساب معاملات نفتی گاهی اوقات ممکن است تا چندین ماه به‌طول انجامد به همین علت پیشنهاد می‌شود شاخص به‌صورت ۶ ماهه اندازه‌گیری شود. منابع آماری شاخص، بانک مرکزی و شرکت ملی نفت می‌باشند. در حال حاضر آمار مربوط به این شاخص دارای طبقه‌بندی محرمانه است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.



بهبود فرآیندهای فروش نفت خام

در بند «۱۳»، سه راهکار در راستای بهبود فرآیند فروش نفت خام ارائه شده است که عبارتند از:

– انتخاب مشتریان راهبردی

مشتری راهبردی در حقیقت مشتری است که یک رابطه ویژه با جمهوری اسلامی دارد به نحوی که تحولات جهانی و منطقه‌ای تأثیر زیادی در مبادلات نفتی مشتری مذکور با ایران نداشته باشد. این رابطه ویژه ممکن است ناشی از یک وابستگی سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی باشد. با توجه به اینکه، هدف این گزارش دستیابی به شاخص‌هایی کمی، به منظور ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است و کمی‌سازی روابط سیاسی و فرهنگی با توجه به امکانات و وضعیت فعلی کشور و با توجه به ماهیت کیفی این روابط امری بسیار دشوار است، در این گزارش مشتری راهبردی به مشتری اطلاق می‌شود که یک رابطه اقتصادی قابل توجه با جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

شاخص ۱: سهم خرید نفت مشتریان راهبردی از مجموع فروش نفت ایران

توضیح شاخص ۱: افزایش این شاخص به معنای افزایش میزان خرید مشتریان راهبردی و یا افزایش تعداد مشتریان راهبردی خواهد بود که در هر دو صورت مطلوب است. به بیان دیگر افزایش و یا ثبات این شاخص به معنای توانایی ایران در ایجاد تعاملات راهبردی با برخی از کشورها و حفظ این روابط است. همانند شاخص ۱، این شاخص نیز باید به صورت ماهیانه رصد شود و اطلاعات مربوط به آن محرمانه بوده و در اختیار شرکت ملی نفت ایران است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

– ایجاد تنوع در روش‌های فروش

در حال حاضر فروش نفت ایران به دو روش قراردادی بلندمدت و فروش بورسی انجام می‌شود که سهم فروش قراردادی بسیار زیاد است. تأکید سیاست‌های کلی ابلاغی بر تنوع روش‌های فروش و همچنین مشارکت بخش خصوصی در فروش نفت، نشان می‌دهد که جهت‌گیری سیاست‌ها در راستای تقویت بخش بورسی فروش نفت (البته با هدف صادرات) می‌باشد.

یکی دیگر از معانی «ایجاد تنوع در روش‌های فروش»، ایجاد تغییراتی در بخش قراردادی است، تغییراتی از قبیل تغییر در نحوه تسویه حساب، نحوه انتقال نفت و نوع ضمانتنامه‌ها. با توجه به اینکه مهمترین مانع به وجود آمده بر اثر تحریم، در بخش تسویه حساب قراردادهای فروش نفت است، استفاده از روش تسویه تهاتری بسیار حائز اهمیت است. برای مثال با توجه به اینکه غالباً نفت ایران به پالایشگاه‌ها فروخته می‌شود، فروش نفت در قبال فرآورده می‌تواند یکی از روش‌های جایگزین تسویه

نقدی باشد. البته باید توجه داشت که استفاده از روش‌های تهاتری نباید باعث عدم شفافیت بودجه دولت شود؛ به بیان دیگر هرگونه فروش تهاتری نفت توسط دولت، باید در قوانین بودجه سالیانه درج شده و مجوز این اقدام از مجلس شورای اسلامی اخذ گردد.

همچنین در فروش نفت غالباً تسویه حساب با فاصله زمانی نسبت به تحویل نفت اتفاق می‌افتد که در شرایط فعلی مناسب‌تر است که ابتدا تسویه حساب انجام شود و بعد نفت تحویل گردد، البته برای متقاعد کردن خریدار باید جذابیت‌های جدی ایجاد کرد، جذابیت‌هایی از قبیل فروش نفت با تخفیف به شرط تسویه حساب قبل از دریافت نفت. با توجه به اینکه قراردادهای فروش نفت ویژگی‌های منحصر به فرد داشته و تفاوت‌های نسبتاً زیادی با یکدیگر دارند، شاخص‌گذاری و رصد آنها کاری بسیار دشوار است و به همین دلیل در پژوهش حاضر از آن صرف‌نظر شده است.

شاخص ۱: نسبت فروش بورسی به کل فروش نفت

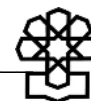
توضیح شاخص ۱: افزایش این شاخص به معنای افزایش سهم فروش بورسی است که مطلوب است. منابع آماری مربوط به این شاخص در اختیار سازمان بورس (حجم نفت فروخته شده در بورس) و شرکت ملی نفت (حجم فروش نفت) می‌باشد. از این بین فقط اطلاعات مربوط به شرکت ملی نفت محرمانه است. با توجه به اینکه اطلاعات مربوط به این شاخص از جنس خرید و فروش نفت است گزارش ماهیانه آن مناسب است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۲: نسبت حجم یا ارزش نفت فروخته شده به روش تهاتری به کل فروش نفت

توضیح شاخص ۲: با توجه به تحریم بانکی ایران، افزایش این شاخص بسیار مطلوب و ضروری است. تنها منبع آماری اطلاعات این شاخص شرکت ملی نفت است و اطلاعات آن نیز جزء اطلاعات محرمانه می‌باشد. همانند شاخص ۱ این شاخص نیز باید به صورت ماهیانه اندازه‌گیری شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

– مشارکت بخش خصوصی در فروش نفت

لازمه مشارکت مؤثر بخش خصوصی آن است که اولاً نفت به بخش خصوصی فروخته شود، ثانیاً بخش خصوصی مجوز صادرات نیز داشته باشد. همان‌طور که اشاره شد بخشی از این مشارکت می‌تواند در قالب بورس اتفاق بیافتد و بخش دیگر از طریق فروش به روش قراردادی. البته اشاره به این نکته نیز لازم است که در حال حاضر یکی از مهمترین موانع فروش نفت به بخش خصوصی عدم امکان ارائه



ضمانت‌های بانکی لازم می‌باشد که ریشه در نبود یک بانک تخصصی نفتی دارد، زیرا حجم قراردادهای فروش نفت قابل توجه است و بانک‌های داخلی توان کارشناسی لازم برای تخمین ارزش و مدیریت ریسک این قراردادها را ندارند، بانک‌های خارجی نیز به دلیل تحریم امکان صدور ضمانتنامه را ندارند.

شاخص: صادرات شرکت ملی نفت نسبت به مجموع صادرات نفت

توضیح شاخص: کاهش این شاخص به معنای کاهش نقش دولت (شرکت ملی نفت) و افزایش مشارکت بخش خصوصی در فروش نفت است که یکی از خواسته‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بخش نفت است. اگرچه در بند «۱۳»، از واژه «مشارکت» در مورد بخش خصوصی استفاده شده است، اما با توجه به اینکه در حال حاضر سهم بخش خصوصی در فروش نفت نزدیک به صفر است در کوتاه‌مدت می‌توان مشارکت را به معنای افزایش دانست، به‌علاوه در بلندمدت، با توجه به لزوم کاهش نقش تصدیگری وزارت نفت و تمرکز بر وظایف حاکمیتی، چنین برداشتی صحیح می‌باشد. دوره زمانی ماهیانه برای اندازه‌گیری این شاخص کاملاً مناسب می‌باشد و نهاد دارنده اطلاعات مربوط به آن شرکت ملی نفت است. اطلاعات آماری این شاخص نیز جزء اطلاعات محرمانه می‌باشد. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

- تنوع‌بخشی به سبد صادراتی بخش انرژی به‌منظور کاهش سهم نفت خام

بخش دوم بند «۱۳» تنوع‌بخشی به سبد صادراتی را به‌عنوان روش دیگری برای مقابله با تحریم‌ها در نظر گرفته است. در این بخش به‌صورت کلی بر افزایش صادرات سایر حامل‌های انرژی به غیر از نفت خام از قبیل گاز و فرآورده‌های نفتی تأکید شده، لکن اولویت‌بندی خاصی ارائه نشده است. با وجود این با عنایت به رویکرد کلی حاکم بر سیاست‌ها می‌توان به یک اولویت‌بندی دست یافت. روح حاکم بر سیاست‌ها در راستای فاصله گرفتن از خام فروشی و حرکت به سمت صادرات فرآورده نهایی می‌باشد. براساس این تفسیر، صادرات فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی باید نسبت به صادرات گاز اولویت داشته باشند، به‌علاوه صادرات محصولات نهایی پتروشیمی نیز نسبت به فرآورده‌های پالایشی و بالادستی پتروشیمی از اولویت برخوردارند.

شاخص ۱: نسبت ارزش صادرات نفت به مجموع ارزش صادرات نفت، گاز، محصولات پالایشی

و پتروشیمی پایین‌دستی و برق

توضیح شاخص ۱: کاهش این شاخص به معنای کاهش سهم نفت در سبد صادراتی بخش انرژی بوده و مطلوب است. اندازه‌گیری این شاخص به‌صورت ماهیانه مناسب است و آمارهای مربوط به آن در

اختیار شرکت ملی نفت، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی پالایش و پخش است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۲: نسبت صادرات گاز به مجموع صادرات گاز، محصولات پالایشی و پتروشیمی پایین‌دستی و برق

توضیح شاخص ۲: با توجه به اینکه جهت‌گیری اصلی سیاست‌ها به سمت کاهش خام فروشی است، کاهش این شاخص یکی دیگر از مطلوبیت‌های مورد نظر سیاست‌هاست. این شاخص، شاخص ۱ را تصحیح می‌کند و کاهش آن به معنای توسعه زنجیره ارزش افزوده در صنعت گاز است. اندازه‌گیری این شاخص نیز باید به صورت ماهیانه باشد و منابع آماری آن در اختیار شرکت ملی نفت است و جزء اطلاعات محرمانه در نظر گرفته می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص مکمل ۱: ارزش مجموع صادرات پتروشیمی پایین‌دستی و پالایشی و برق نسبت به یک سال پایه

توضیح شاخص مکمل ۱: کاهش شاخص‌های ۱ و ۲ به شرطی مطلوب سیاست‌های کلی است که مجموع صادرات نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی افزایش یابد. بنابراین شاخص‌های مذکور نیاز به یک شاخص مکمل دارند که این افزایش را رصد کند. جهت مطلوب برای این شاخص مکمل، جهت افزایشی است. این شاخص نیز باید به صورت ماهیانه اندازه‌گیری شوند. منابع آماری این شاخص‌ها عبارتند از: شرکت ملی نفت (حجم صادرات نفت و گاز)، شرکت ملی پالایش و پخش (حجم صادرات پالایش)، شرکت ملی پتروشیمی. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۳-۶-۳. اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز

تأثیرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز مسئله‌ای است که همواره مورد توجه واردکنندگان و صادرکنندگان اصلی این دو ماده حیاتی بوده است که در بند «۱۴» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است. واردکنندگان و صادرکنندگان رویکرد کاملاً متفاوتی در قبال این مسئله دارند، از منظر واردکنندگان، مهمترین موضوع در بازار جهانی نفت و گاز، امنیت عرضه است، به همین دلیل این دسته از کشورها همواره تلاش می‌کنند تا عوامل تهدیدکننده امنیت عرضه را کنترل کنند. یکی از مهمترین راهکارهای کشورهای مصرف‌کننده در راستای تضمین امنیت عرضه نفت و گاز، ایجاد ذخایر



راهبردی است. ذخایر راهبردی ابزاری است که کشورهای واردکننده به وسیله آن نوسانات قیمتی ناشی از عوامل مختلفی از قبیل عوامل سیاسی، آب و هوا و ... را کنترل می‌کنند، برای مثال در فرآیند خروج بیش از نیمی از نفت صادراتی ایران از بازار نفت، ذخایر راهبردی، نقشی بسیار کلیدی در کنترل قیمت‌ها ایفا نمود. در نقطه مقابل، از منظر صادرکنندگان، مسئله اساسی در بازار جهانی، استفاده از وابستگی دیگر کشورها به نفت و گاز در راستای افزایش قدرت چانه‌زنی‌های سیاسی است، این موضوع به وضوح در رفتارهای کشور روسیه در تعامل گازی با اروپا مشاهده می‌شود. در حقیقت کشورهای صادرکننده نفت و گاز به هیچ عنوان دغدغه امنیت عرضه در بازار جهانی را ندارند و غالباً منافع آنها در راستای ناامنی در عرضه نفت و گاز در بازار جهانی است. این کشورها به منظور اثرگذاری در بازارهای جهانی به دو عامل اساسی نیازمندند:

۱. سهم قابل توجه از بازار،

۲. عدم وابستگی حیاتی به درآمدهای حاصل از صادرات.

بر این اساس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ایجاد ذخایر راهبردی، یکی از اهداف بلندمدت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است و مربوط به نقطه‌ای است که ایران به دلیل توسعه‌یافتگی و نیاز فراوان به مصرف انرژی به یکی از واردکنندگان اصلی نفت و گاز تبدیل شده است.

در شرایط فعلی و در کوتاه‌مدت، مانع اصلی در مسیر تأثیرگذاری در بازارهای جهانی وابستگی حیاتی به درآمدهای نفتی است. در نتیجه مهمترین استراتژی ایران برای حضور فعال در بازارهای جهانی قطع وابستگی مستقیم به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز است، که در بند «۱۸» به آن اشاره شده است. به علاوه حفظ و افزایش ظرفیت تولید به منظور کسب سهم قابل توجه از بازار جهانی نباید مغفول بماند. البته در بند «۱۵» بر افزایش زنجیره ارزش نفت و گاز تأکید شده است که می‌توان آن را به عنوان نقطه مقابل صادرات خام این محصولات تلقی کرد. با توجه به این توضیحات، باید به این سؤال پاسخ داد که از منظر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی استراتژی کشور برای بهره‌مندی از نفت و گاز چیست؟ افزایش صادرات خام؟ یا افزایش مصرف داخلی نفت و گاز در زنجیره ارزش افزوده؟

با توجه به سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، راهبرد اصلی جمهوری اسلامی عدم خام‌فروشی نفت و گسترش زنجیره ارزش است، اما توجه به میادین مشترک و ضرورت افزایش ظرفیت تولید از آنها حقیقتی انکارناپذیر است که نباید از آن غفلت کرد. در نهایت می‌توان گفت که توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز به منظور صادرات و حضور مؤثر در بازار جهانی، منحصرأ در توسعه میادین مشترک مورد توجه سیاست‌های ابلاغی است، تأکید بر میادین مشترک در انتهای بند «۱۴» نیز مؤید این مطلب است. بر این اساس، یک شاخص کلی که نشان‌دهنده افزایش اثرگذاری ایران در بازار جهانی نفت است، میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی است (شاخص زیر)، شاخص‌های جزئی‌تری نیز در این خصوص قابل تولید است که در ادامه تشریح شده است.

شاخص: افزایش سالیانه سهم قانونی صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی

توضیح شاخص: قبلاً در بخش مربوط به قطع وابستگی مستقیم به درآمدهای نفتی توضیح داده شده است.

– توسعه ظرفیت تولید با اولویت میادین مشترک

توسعه ظرفیت تولید یکی از ابزارهای اصلی ایفای نقش در بازارهای جهانی برای کشورهای صادرکننده نفت است، البته این هدف با اهداف بلندمدت کشور در زمینه نقش‌آفرینی در بازارهای جهانی فاصله دارد، اما در کوتاه‌مدت به دلیل وجود میادین مشترک امری ضروری است. در نتیجه توسعه ظرفیت تولید فقط در میادین مشترک مطلوب است.

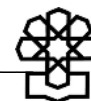
شاخص ۱: نسبت مجموع برداشت ایران از میادین مشترک به مجموع برداشت کشورهای رقیب در این میادین.

شاخص ۲: نسبت مجموع برداشت ایران از میادین مشترک به مجموع برداشت از کلیه میادین نفت و گاز کشور.

توضیح شاخص: افزایش این دو شاخص به معنای افزایش ظرفیت و سهم تولید نفت ایران از میادین مشترک و افزایش توان نقش‌آفرینی در بازارهای جهانی است. با توجه به اینکه پروژه‌های توسعه میادین نفت و گاز بلندمدت هستند در کوتاه‌مدت تغییر چندانی در این شاخص ایجاد نمی‌شود، بنابراین پیشنهاد می‌شود این دو شاخص به صورت سالیانه اندازه‌گیری شود. منابع آماری این شاخص در اختیار شرکت ملی نفت بوده و جزء اطلاعات با طبقه‌بندی محرمانه است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

– تولید صیانتی

در مسیر توسعه ظرفیت تولید علاوه بر قید میادین مشترک، باید به مسئله تولید صیانتی نیز توجه ویژه شود که در انتهای بند «۱۵» به آن اشاره شده است. معروف‌ترین شاخصی که به منظور ارزیابی صیانتی بودن تولید در میادین نفت و گاز مورد استفاده قرار می‌گیرد، «ضریب بازیافت» است، لکن این شاخص دارای کاستی‌های متعددی است. اولاً عددی که به عنوان ضریب بازیافت میدان تعریف می‌شود از یک میدان به میدان دیگر ممکن است به میزان قابل توجهی تغییر کند، بنابراین میانگین‌گیری از ضریب بازیافت میادین و اعلام آن به عنوان شاخص اندازه‌گیری تولید صیانتی صحیح نیست. در حقیقت به دلیل گستره تنوع میادین نفت و گاز اندازه‌گیری تولید صیانتی باید میدان به میدان انجام شود. ثانیاً رقم اعلام شده به عنوان ضریب بازیافت یکتا نیست و سنجش صحت آن بسیار دشوار است و ممکن



است شرکت‌های توسعه‌دهنده بر مبنای منافع خود ارقام متنوعی برای آن گزارش کنند. ثالثاً رقم واقعی ضریب بازیافت زمانی مشخص می‌شود که عمر چاه پایان یافته باشد و اعداد گزارش شده تا قبل از آن با تقریب‌های زیادی همراه خواهد بود به خصوص در مورد کشور ایران که هنوز از نظر علمی در این زمینه با شرکت‌های چند ملیتی تراز اول دنیا فاصله زیادی دارد.

با توجه به ماهیت دینامیکی میادین نفت و گاز، تولید صیانتی کاملاً وابسته به فرآیند توسعه و بهره‌برداری از میدان است؛ لکن کمی نمودن فرآیند توسعه میدان با دشواری‌های زیادی همراه است. یکی از مسائل حائز اهمیت در برداشت صیانتی که در مقایسه با فرآیند تولید صیانتی از اهمیت کمتری برخوردار است استفاده از روش‌های ازدیاد برداشت است که با توجه به شرایط میادین ایران، غالباً به معنای تزریق گاز در میادین است. با توجه به اینکه تدوین شاخصی مبتنی بر ضریب بازیافت به دلایل پیش گفته مقدور و مفید نیست، به منظور ارزیابی تولید صیانتی، پیشنهاد می‌شود حجم تزریق گاز در میادین نفتی مورد استفاده قرار گیرد.

شاخص: حجم تزریق گاز به میادین نسبت به حجم برنامه‌ریزی شده

توضیح شاخص: افزایش این شاخص نشان‌دهنده بهبود وضعیت تولید صیانتی می‌باشد. با توجه به برنامه تزریق سالیانه شرکت ملی نفت بهتر است این شاخص به صورت سالیانه اندازه‌گیری شود. منبع اطلاعات مربوط به این شاخص شرکت ملی نفت است و اطلاعات آن محرمانه تلقی می‌شوند. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۴-۶-۳. تکمیل زنجیره ارزش افزوده نفت و گاز

– نفت

همان‌طور که اشاره شد، در بند «۱۵» به مسئله توسعه زنجیره ارزش افزوده در صنایع نفت و گاز اشاره شده است. در بخش نفتی، عمده توسعه زنجیره ارزش به معنای افزایش ظرفیت پالایشی کشور است، البته مطابق با بند «۳» که رشد بهره‌وری به عنوان محوریت رشد اقتصاد در نظر گرفته شده است می‌توان گفت که توسعه ظرفیت پالایشی هم به صورت کیفی و هم به صورت کمی مورد توجه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بوده است.

شاخص ۱: نسبت افزایش ظرفیت پالایشی به ظرفیت پالایشی موجود

توضیح شاخص ۱: افزایش این شاخص نشان‌دهنده بهبود وضعیت پالایشی و افزایش کمی زنجیره ارزش افزوده است. با توجه به اینکه پروژه‌های پالایشی پروژه‌های بلندمدت هستند و افزایش ظرفیت پالایشی نیاز به زمان زیادی دارد این شاخص باید به صورت سالیانه اندازه‌گیری شود. منابع آماری این

شاخص در اختیار شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی هستند و جزء اطلاعات محرمانه می‌باشند. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۲: سهم مازوت از سبد پالایشی

توضیح شاخص ۲: کاهش این شاخص نشان‌دهنده بهبود کیفیت زنجیره ارزش افزوده است و به اندازه توسعه کمی ظرفیت پالایشی و حتی بیش از آن اهمیت دارد. با توجه به اینکه پروژه‌های مربوط به افزایش بهره‌وری نیز بلندمدت هستند، این شاخص نیز باید به صورت سالیانه اندازه‌گیری شود. منابع اطلاعاتی مربوط به این شاخص در اختیار شرکت ملی پالایش و پخش و شرکت‌های پالایشی می‌باشد. این اطلاعات نیز جزء اطلاعات محرمانه محسوب می‌شوند. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

- گاز

در بخش گازی، توسعه زنجیره ارزش به معنای افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی است. در بخش پتروشیمی زنجیره ارزش افزوده، طول بیشتری نسبت به نفت دارد و به سه بخش بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی تقسیم می‌شود و توسعه مورد نظر سیاست‌های کلی یک توسعه متوازن در این سه بخش است که در نهایت منجر به افزایش صادرات محصولات نهایی صنایع پتروشیمی گردد. اما با توجه به اینکه آمار تولیدات پتروشیمی به تفکیک بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی وجود ندارد لازم است از شاخص دیگری استفاده شود که به‌طور ضمنی شامل این اطلاعات باشد.

شاخص ۱: واردات محصولات پتروشیمی نسبت به کل مصرف محصولات پتروشیمی

توضیح شاخص ۱: با توجه به اینکه فرآورده‌های پتروشیمی وارداتی به کشور غالباً از نوع فرآورده نهایی هستند، کاهش این شاخص به معنای تولید فرآورده‌های نهایی پتروشیمی در کشور است که به معنای توسعه زنجیره ارزش افزوده می‌باشد که هدف مطلوب سیاست‌های ابلاغی است. رصد این شاخص نیز باید به صورت سالیانه انجام شود. اطلاعات مربوط به این شاخص در اختیار شرکت ملی پتروشیمی و گمرک است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.



شاخص ۲: نسبت صادرات محصولات بالادستی پتروشیمی به کل تولید بالادستی پتروشیمی توضیح شاخص: در صورتی که زنجیره ارزش افزوده در صنایع پتروشیمی به طور متوازن توسعه یافته باشد، بخش قابل توجهی از تولیدات بالادستی پتروشیمی باید در صنایع میان‌دستی و پایین‌دستی مورد استفاده قرار گیرد و لذا سهم صادرات این محصولات از کل تولید آن کاهش می‌یابد. بنابراین کاهش شاخص مذکور می‌تواند ملاکی برای توسعه متوازن زنجیره ارزش افزوده در صنعت پتروشیمی باشد. محاسبه این شاخص نیز با توجه به محدود بودن تعداد محصولات که در گروه بالادستی طبقه‌بندی می‌شوند، بر مبنای اطلاعات شرکت ملی پتروشیمی، مقدور است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

۳-۷. بودجه، هزینه‌های دولت، مالیات

بندهای «۱۶» و «۱۷» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناظر به بودجه، هزینه‌های دولت و مالیات می‌باشد:

بند «۱۶» - صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زائد.

بند «۱۷» - اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

موضوعات مورد توجه این بندها به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور و حذف هزینه‌های زائد،

۲. اصلاح نظام مالیاتی جهت بهبود وضعیت درآمدهای دولت.

توضیح: منبع اطلاعات مربوط به شاخص‌هایی که در این بخش ارائه می‌شود قوانین بودجه و آمارهای مربوط به تخصیص بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری است. اطلاعات قوانین بودجه در حقیقت برنامه‌ریزی‌های انجام شده را نشان می‌دهد، اما اطلاعاتی که معاونت برنامه‌ریزی پس از اجرای بودجه منتشر می‌کند، تحقق برنامه‌ها را نشان می‌دهد.

۳-۷-۱. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور و حذف هزینه‌های زائد

تعیین شاخص‌هایی جهت بررسی اندازه مطلوب دولت، منوط به مشخص شدن نقش صحیح دولت در عرصه اقتصاد است که جزئیات آن محل چالش جدی نظری است. با این حال می‌توان به دور از چالش‌های نظری مذکور، شاخص‌هایی را برای اجرایی شدن سیاست‌های کلی ابلاغی در این حوزه طراحی کرد.

شاخص ۱: نسبت اعتبارات هزینه‌ای دولت (بودجه جاری) به بودجه عمومی

توضیح شاخص ۱: با این فرض که در حال حاضر اندازه و هزینه‌های دولت بیش از مقدار مطلوب آنست، کاهش این شاخص می‌تواند معیار تحقق اهداف سیاست‌های ابلاغی باشد. منبع آماری این شاخص، قوانین بودجه سالیانه و همچنین گزارشات عملکرد بودجه (خزانه‌داری کل) و تفریح بودجه (دیوان محاسبات کل کشور) است و اندازه‌گیری آن باید به صورت سالیانه انجام شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

در همین راستا، بندهای «ب» و «ج» ماده (۱۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه نیز تکالیفی را به منظور کاهش اعتبارات هزینه‌ای دولت وضع کرده است که می‌تواند مبنای ارزیابی عملکرد این شاخص قرار گیرد:

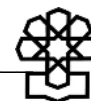
ماده (۱۱۷)

ب) نسبت درآمدهای عمومی به استثنای درآمدهای نفت و گاز به اعتبارات هزینه‌ای به طور متوسط سالیانه ده درصد (۱۰ درصد) افزایش یابد.

ج) اعتبارات هزینه‌ای دولت سالیانه حداکثر دو درصد (۲ درصد) کمتر از نرخ تورم، افزایش یابد. بر این اساس، اعتبارات هزینه‌ای دولت به قیمت ثابت باید سالیانه ۲ درصد کاهش یابد. لکن با توجه به اتمام دوره برنامه پنجم توسعه، شاخص نسبت اعتبارات هزینه‌ای دولت به بودجه عمومی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

شاخص ۲: نسبت اعتبارات متفرقه به کل اعتبارات بودجه‌ای

توضیح شاخص ۲: این شاخص به منظور سنجش انضباط و شفافیت مالی دولت پیشنهاد شده است و کاهش آن به معنی افزایش انضباط و شفافیت دولت در حوزه بودجه است. توضیح آنکه در تصویب اعتبارات متفرقه تنها میزان بودجه لازم جهت اجرای یک برنامه کلی مشخص می‌شود؛ ولی نهاد مجری و عملیات مورد نیاز برای دستیابی به آن برنامه در هنگام تهیه و تصویب بودجه مشخص نمی‌شود. در فرآیند اجرای بودجه در طول سال مالی، نهاد مجری و مجموعه عملیات دقیق مربوطه، توسط معاونت برنامه‌ریزی، مشخص و اعتبارات تصویب شده تخصیص داده می‌شوند. این روال مشکلاتی از جمله کاهش امکان نظارت مجلس در هنگام تصویب بودجه و امکان تخصیص سلیقه‌ای منابع را به دنبال خواهد داشت. لذا در حالت مطلوب این اعتبارات باید به حداق میزان ممکن تقلیل یابند، هرچند که شاید صفر کردن آنها در عمل ممکن نباشد. منبع آماری این شاخص نیز قوانین بودجه سالیانه و آمارهای معاونت برنامه‌ریزی است و اندازه‌گیری آن باید به صورت سالیانه انجام شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.



شاخص ۳: سهم بخش غیردولتی در تأمین مالی طرح‌های عمرانی

توضیح شاخص ۳: اعتبارات عمرانی بخش قابل توجهی از بودجه عمومی را به خود اختصاص می‌دهد. برای مثال در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۳ به‌طور میانگین ۲۲ درصد از بودجه عمومی را اعتبارات عمرانی به خود اختصاص داده است. لذا می‌توان گفت تأمین مالی طرح‌های عمرانی بار مالی سنگینی را بر دوش دولت می‌گذارد که در صورت عدم تحقق، مسائل و مشکلات بسیاری را به بار می‌آورد. افزایش زمان و هزینه‌های اتمام طرح‌های عمرانی، کاهش کیفیت اجرای طرح‌ها و ایجاد مشکلات مالی برای پیمانکاران برخی از پیامدهای عدم تحقق اعتبارات عمرانی است. مشارکت بخش خصوصی در تأمین مالی و اجرای طرح‌های عمرانی راهکار مناسبی است که علاوه بر افزایش کیفیت اجرای طرح‌ها و تضمین اقتصادی بودن آنها، به صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت می‌انجامد. لذا میزان سهم بخش خصوصی در تأمین مالی و اجرای طرح‌های عمرانی دولت، یک شاخص مناسب در این حوزه است.

منبع آماری این شاخص، قوانین بودجه سالیانه و اطلاعات جزئی‌تر از نحوه تخصیص اعتبارات عمرانی نزد معاونت برنامه‌ریزی می‌باشد. این شاخص به‌صورت سالیانه اندازه‌گیری می‌شود و افزایش آن مطلوب ارزیابی می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۴: نسبت زمان خاتمه طرح‌های عمرانی به زمان برنامه‌ریزی شده برای اختتام

توضیح شاخص ۴: بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۹ تنها ۲۰ درصد و در سال ۱۳۹۱ فقط ۱۰ درصد از طرح‌ها طبق برنامه‌ریزی و به‌موقع به اتمام رسیده‌اند. همچنین در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ به‌طور میانگین تنها ۲۶ درصد از طرح‌های عمرانی به‌موقع به اتمام رسیده‌اند.^۱ این آمارها نشان می‌دهد تعداد زیادی از طرح‌های عمرانی در زمان مقرر اجرا نشده و این امر به یک روال تبدیل شده است. به‌درازا کشیدن اجرای طرح‌ها، موجب افزایش هزینه‌های اجرای طرح، کاهش بازدهی اقتصادی بسیاری از طرح‌ها و حتی غیراقتصادی شدن آنها می‌شود. بر این اساس کاهش این شاخص نشان‌دهنده بهبود در وضعیت اجرای طرح‌های عمرانی بوده و صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت را نشان می‌دهد. منبع آماری این شاخص بودجه سالیانه مصوب مجلس و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی است و اندازه‌گیری آن به‌صورت سالیانه انجام می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

۱. بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۲ کل کشور ۶. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

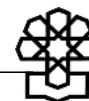
شاخص ۵: نسبت تعداد طرح‌های عمرانی جدید به طرح‌های عمرانی تکمیل شده در هر سال
توضیح شاخص ۵: در صورتی که تصویب طرح‌های عمرانی جدید تناسبی با میزان طرح‌های خاتمه‌یافته نداشته باشد، تعداد طرح‌های عمرانی در دست اجرا افزایش می‌یابد. این امر سبب می‌شود تا منابع مالی دولت به جای تمرکز بر طرح‌های موجود و اتمام هرچه سریع‌تر آنها، بین تعداد زیادی طرح تقسیم شود که خود موجب به درازا کشیدن اتمام طرح‌ها می‌شود. برای مثال در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ به‌طور میانگین در هر سال ۱۲۷ طرح خاتمه پیدا کرده در حالی که ۱۴۵ طرح جدید تعریف شده است. به عبارت بهتر در بازه زمانی فوق مجموعاً ۱,۴۰۳ میلیارد ریال منجر به اتمام طرح‌ها شده و ۱,۶۰۴ میلیارد ریال برای طرح‌های جدید در نظر گرفته شده است.

بر این اساس یک شاخص مناسب در استفاده بهینه از منابع دولت در حوزه عمرانی، نسبت تعداد طرح‌های مصوب جدید به طرح‌های خاتمه‌یافته است. با توجه به تمایل تصمیم‌گیران بخش عمومی برای تعریف روزافزون طرح‌های جدید، افزایش این شاخص نامطلوب تلقی می‌شود. همچنین کاهش این شاخص، در صورتی که همزمان با افزایش شاخص ۳ (سهم بخش خصوصی در تأمین مالی و اجرای طرح‌های عمرانی) باشد، مطلوب ارزیابی می‌شود. منبع آماری این شاخص بودجه سالیانه مصوب مجلس و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی است و اندازه‌گیری آن به‌صورت سالیانه انجام می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۶: نسبت هزینه تمام شده به هزینه پیش‌بینی شده طرح‌های عمرانی

توضیح شاخص ۶: در موارد متعدد مشاهده می‌شود که هزینه تمام شده طرح‌های عمرانی دولت به‌دلایل مختلف، از جمله طولانی شدن زمان اجرای طرح و یا کم‌برآورد هزینه‌های طرح در زمان تصویب، از هزینه‌های پیش‌بینی شده آن بیشتر می‌شود. برای مثال عدم اتمام طرح‌ها در زمان‌های از پیش تعیین شده در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ جمعاً حدود ۶۳ هزار میلیارد تومان هزینه به بودجه دولت تحمیل کرده است^۱. لذا یک شاخص مناسب در این خصوص، نسبت هزینه تمام شده به هزینه پیش‌بینی شده اتمام طرح‌های عمرانی است. منبع آماری این شاخص، قوانین بودجه و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی است و اندازه‌گیری آن به‌صورت سالیانه انجام می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند. نکته‌ای که در خصوص این شاخص وجود دارد، تأثیر شدید تورم بر نتیجه شاخص است. به همین دلیل و به علت آنکه تعدیل اعداد و ارقام مربوط به افزایش هزینه‌های عمرانی با شاخص قیمت مصرف‌کننده یا تولیدکننده بی‌مفهوم است، از ارائه این شاخص صرف‌نظر می‌شود.

۱. بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۲ کل کشور ۶. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



۲-۷-۳. اصلاح نظام مالیاتی برای بهبود وضعیت درآمدهای دولت

بررسی بهبود وضعیت نظام مالیاتی نیازمند تدوین شاخص‌های مناسبی است که با بررسی آنها بتوان تحقق سیاست کلی مربوطه را سنجید. در این قسمت برخی از شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای این امر مورد اشاره قرار می‌گیرند.

شاخص ۱: نسبت تراز عملیاتی به بودجه عمومی دولت

توضیح شاخص ۱: تراز عملیاتی در بودجه نشانگر آن است که چه میزان از هزینه‌های دولت توسط درآمدهای دولت (کل درآمدهای عمومی پس از کسر اعتبارات واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی) تأمین شده است. لذا هرچه تراز عملیاتی بیشتر باشد نیاز به درآمدهای نفتی برای تأمین هزینه‌های دولت کمتر است. در حال حاضر تراز عملیاتی عددی منفی است و این امر وابستگی بودجه دولت به نفت را نشان می‌دهد. بنابراین افزایش این شاخص برای کاهش وابستگی بودجه به نفت و تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی امری ضروری است. منبع آماری این شاخص قوانین بودجه سالیانه و آمار عملکرد بودجه معاونت برنامه‌ریزی است و اندازه‌گیری آن به صورت سالیانه انجام می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۲: نسبت درآمد مالیاتی به کل منابع بودجه عمومی

توضیح شاخص ۲: برای رصد جداگانه افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه، شاخص نسبت درآمد مالیاتی به کل منابع بودجه عمومی از جمله شاخص‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. افزایش این شاخص مطلوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است، البته بهبود این شاخص باید از لحاظ کیفی نیز بررسی شود که در شاخص‌های بعدی به آن اشاره شده است. منبع آماری این شاخص، قوانین بودجه مصوب مجلس و آمار عملکرد بودجه معاونت برنامه‌ریزی است و اندازه‌گیری آن به صورت سالیانه انجام می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۳: نسبت مالیات وصولی به تولید ناخالص داخلی

توضیح شاخص ۳: نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی یک شاخص رایج در اندازه‌گیری میزان مالیات دریافتی از کل اقتصاد است. این شاخص در ایران نسبت به سایر کشورها کمتر است^۱. لذا با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد ایران، جهت مطلوب این شاخص جهت افزایشی است. نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از جمله شاخص‌هایی است که در قانون برنامه پنجم توسعه نیز به آن اشاره شده

1 Tax revenue (% of GDP) – World Bank, 2009.

و از مسیر افزایش پایه‌های جدید مالیاتی، جلوگیری از فرار مالیاتی و افزایش نرخ‌های مالیاتی قابل افزایش است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند. براساس تحقیقات انجام شده^۱، مالیات بالقوه در اقتصاد ایران، ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی است. لکن بررسی‌ها نشان می‌دهد مقدار مالیات وصولی در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹، بین ۴۰ درصد تا حداکثر ۷۰ درصد مقدار مالیات بالقوه بوده است.^۲ لذا نسبت مالیات وصولی به تولید ناخالص داخلی از جمله شاخص‌هایی است که افزایش آن ضروری به نظر می‌رسد. منبع آماری این شاخص، قوانین بودجه مصوب مجلس و آمار عملکرد بودجه معاونت برنامه‌ریزی است و اندازه‌گیری آن به صورت سالیانه انجام می‌شود.

شاخص ۴: نسبت مالیات وصولی به روش علی‌الرأس به کل مالیات وصولی

توضیح شاخص ۴: وصول مالیات به روش علی‌الرأس، ناشی از عدم شفافیت و ناکارآمدی نظام مالیاتی و فقدان سامانه‌های مورد نیاز جهت تشخیص مالیات افراد اقتصادی است. طبیعی است که روش علی‌الرأس از یک سو باعث کاهش درآمدهای مالیاتی (عدم تحقق مالیات بالقوه) و از سوی دیگر موجب بی‌عدالتی در مالیات‌ستانی می‌گردد. بر این اساس مالیات وصولی به روش علی‌الرأس باید تا حد ممکن کاهش یابد و کاهش شاخص مزبور مطلوب ارزیابی می‌شود. منابع آماری این شاخص و دوره اندازه‌گیری آن همانند شاخص‌های فوق است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند. این شاخص به دلیل قرابت با موضوع «شفافیت نظام مالیاتی» ذیل شاخص‌های این بخش قرار داده شده است.

۳-۸. شفافیت اطلاعات و سلامت اقتصادی

بندهای «۱۹» و «۲۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به مسئله شفافیت و سلامت اقتصاد ارتباط دارند:

بند «۱۹» - شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و

بند «۲۳» - شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمتگذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۱. عباس عرب مازار، برآورد ظرفیت بالقوه اقتصادی مالیات در اقتصاد ایران، سازمان امور مالیاتی، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی.

۲. معافیت‌های مالیاتی و سهم آنها از کل درآمدهای مالیاتی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



۱-۸-۳. شفافیت انواع اوراق مالی

یکی از مهمترین موانع شفافیت اطلاعات اقتصادی که منجر به بروز فساد می‌شود، آن دسته از نقل و انتقالات مالی است که یکی از عوامل آن مجهول و غیرقابل رصد است. اوراق مالی بدون نام بستر مناسبی برای چنین فعالیت‌هایی هستند زیرا طرفین معامله‌ای که با اوراق بدون نام انجام می‌شود مجهول هستند.

شاخص ۱: نسبت اسکناس و مسکوکات به نقدینگی

توضیح شاخص ۱: در راستای شفاف‌سازی معاملات، باید به سمتی حرکت کنیم که تراکنش‌های مالی از طریق بانک‌ها انجام شود و تا حد امکان حجم معاملاتی که با استفاده از اسکناس و ابزارهای مشابه آن انجام می‌شود کاهش یابد. با این توضیح می‌توان کاهش این شاخص را در راستای شفاف‌سازی و سالم‌سازی تلقی کرد. آمارهای مربوط به این شاخص در اختیار بانک مرکزی است و محاسبه آن در بازه‌های زمانی یک ماهه مطلوب است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۲: نسبت ارزش مجموع چک پول و چک‌های حامل یا دارای حواله‌کرد به حجم نقدینگی

توضیح شاخص ۲: چک پول و چک حامل یا دارای حواله‌کرد، مربوط به معامله‌ای است که یک طرف آن مشخص نیست و به‌علاوه می‌تواند بارها و بارها رد و بدل شود بدون اینکه قابلیت رصد داشته باشد. بر این اساس استفاده از چک پول و صدور چک‌های حامل یا دارای حواله‌کرد باید تا حد امکان بسیار محدود باشد. در نتیجه کاهش این شاخص مطلوب بوده و مورد توجه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. منابع آماری این شاخص در اختیار بانک مرکزی می‌باشد. تولید و رصد این شاخص باید به‌صورت ماهیانه انجام گیرد. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۳: نسبت ارزش اوراق مشارکت بدون نام به حجم نقدینگی

توضیح شاخص ۳: اوراق مشارکت بدون نام نیز مشابه اسکناس و چک‌های حامل هستند، با این تفاوت که ارزش بالاتری در هر واحد دارند. لذا نقش به‌مراتب مهمتری در راستای عدم شفافیت داشته و ابزار مناسبی برای پولشویی هستند. در نتیجه کاهش این شاخص را نیز می‌توان در راستای شفافیت و مقابله با فساد تفسیر کرد. منابع آماری این شاخص نیز در اختیار بانک مرکزی می‌باشد. تولید و رصد این شاخص نیز باید به‌صورت ماهیانه باشد. البته لازم به ذکر است طبق وعده بانک مرکزی، کلیه

مبادلات مربوط به اوراق مشارکت در آینده نزدیک از طریق سامانه‌ای که به همین منظور راه‌اندازی خواهد شد^۱، صورت خواهد گرفت. لذا پس از راه‌اندازی سامانه مذکور، معضل عدم شفافیت در حوزه اوراق مشارکت مرتفع خواهد شد. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

شاخص ۴: نسبت ارزش سکه‌های طلای ضرب شده و ثبت نشده (بدون سریال) به حجم نقدینگی توضیح شاخص ۴: سکه طلا نیز یکی دیگر از ابزارهایی است که معاملات مربوط به آن ثبت نمی‌شود. البته اخیراً تلاش‌هایی برای ثبت سکه در حال انجام است که اختصاص شماره سریال به سکه‌های یک گرمی فعلی، مقدمه این کار محسوب می‌شود. بنابراین در این شاخص باید سکه‌های ثبت نشده مورد توجه قرار گیرند. کاهش این شاخص نیز در راستای شفافیت و سلامت اقتصاد است. البته مشکل اصلی این شاخص منابع آماری آن است که ممکن است امکان رصد و اندازه‌گیری آن را از بین ببرد.

۲-۸-۳. شفافیت نظام ارزی

شاخص ۱: نسبت مجموع ارز مرتبط با واردات ثبت شده در پورتال ارزی (ارز مبادله‌ای) و سامانه سنا (ارز آزاد) به کل واردات

توضیح شاخص ۱: در حال حاضر روال واردات کشور به این صورت است که ابتدا واردکننده در سامانه ثبت سفارش وزارت صنعت، معدن، تجارت اقدام به ثبت سفارش می‌کند، سپس تخصیص ارز توسط بانک مرکزی برای واردات صورت می‌گیرد. ارز تخصیص یافته می‌تواند از نوع ارز مبادله‌ای یا آزاد باشد. ارز مبادله‌ای از مسیر نظام بانکی و ارز آزاد از مسیر صرافی‌ها و سامانه سنا (سامانه نظارت ارزی) تخصیص می‌یابد. در نهایت پس از حمل بار و ترخیص از گمرک، فرآیند واردات تکمیل می‌شود.

فرآیند فوق کاملاً شفاف و قابل نظارت است، لکن امکان واردات خارجی از این روال نیز در حال حاضر غیرممکن نیست، خصوصاً در مرحله تخصیص ارز و صرافی‌ها. هرچه سهم فرآیند شفاف مذکور در کل واردات افزایش یابد، شفافیت ارزی کشور ارتقا می‌یابد. اطلاعات مربوط به این شاخص به صورت آنلاین در اختیار بانک مرکزی است، مخرج شاخص نیز براساس آمارهای ماهیانه صادرات و واردات که توسط گمرک اعلام می‌شود قابل محاسبه است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

۱. سامانه «تابا»: تسویه اوراق بهادار الکترونیکی.



شاخص ۲: نسبت ارز حاصل از صادرات ثبت شده در سنا به کل صادرات

توضیح شاخص ۲: ارز در کشور از طریق صادرات نفتی و غیرنفتی تأمین می‌شود. ارز حاصل از صادرات اموال دولتی که عمده آن نفت است، به بانک مرکزی تحویل داده می‌شود و اطلاعات مربوط به آن موجود است. در مقابل اطلاعات زیادی از ارز حاصل از صادرات بخش خصوصی در دست نیست و این مسئله به معضلاتی مانند سفته بازی ارز و قاچاق دامن زده است. در صورت پیوستن کلیه صرافی‌ها به سامانه سنا و ثبت کلیه اطلاعات خرید و فروش ارز در این سامانه، جریان ارز حاصل از صادرات نیز شفاف و قابل نظارت خواهد بود. لذا شاخص مذکور نمایانگر میزان شفافیت در ارز حاصل از صادرات است. اطلاعات مربوط به این شاخص نیز مشابه شاخص قبل، در اختیار بانک مرکزی (سامانه نظارت ارزی) و گمرک جمهوری اسلامی ایران (آمار ماهیانه صادرات و واردات) است. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۳-۸-۳. شفافیت نظام بانکی

مجاری گردش منابع مالی در اقتصاد، یکی از مستعدترین بخش‌ها برای بروز فساد هستند، زیرا بخش اعظمی از گردش مالی اقتصاد در این قسمت اتفاق می‌افتد و به طرق مختلف امکان سوءاستفاده در آن وجود دارد. در ایران بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری مدیریت بخش قابل توجهی از منابع مالی را در اختیار دارند. متأسفانه در حال حاضر تراکنش‌های مالی مربوط به این نهادها از شفافیت قابل قبول برخوردار نیست. این مسئله در مورد مؤسسات مالی و اعتبار تا تاجایی پیشرفته است تعداد زیادی از این مؤسسات بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی در حال فعالیت هستند.

شاخص ۱: نسبت دارایی بانک‌های متصل شده به «سامانه نظارت الکترونیکی بانکی» (سنا)

به دارایی کل شبکه بانکی

توضیح شاخص ۱: در حال حاضر دسترسی بانک مرکزی به اطلاعات شبکه بانکی (سپرده‌ها، صاحبان حساب، گردش حسابها، سهام و سرمایه‌گذاری بانک‌ها، تسهیلات اعطایی، مطالبات غیرجاری و...) به صورت غیرمستقیم و با تأخیر نسبتاً زیاد صورت می‌گیرد. در واقع بانک مرکزی امکان دسترسی آنلاین به اطلاعات شبکه بانکی ندارد و این اطلاعات اولاً بر مبنای خوداظهاری بانک‌ها به دست می‌آید و ثانیاً به دلیل زمانبر بودن گردآوری اطلاعات توسط بانک‌ها، با تأخیر غیرقابل قبول در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد.

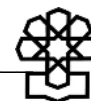
بانک مرکزی در سال ۱۳۸۹ «نظام جامع شفافیت و تمرکز اطلاعات» (نشتا) را تدوین و به بانک‌ها ابلاغ کرد. این دستورالعمل، استانداردها و ساختار داده‌های ارائه شده از جانب بانک‌ها به بانک مرکزی (به صورت آنلاین)، و در واقع چارچوب استقرار نظام بانکداری یکپارچه (CoreBanking) در

بانک‌های کشور را مشخص می‌کند. کلیه بانک‌ها مکلفند نظام بانکداری یکپارچه خود را به گونه‌ای طراحی کنند که استانداردهای ذکر شده در این دستورالعمل در ارائه اطلاعات را برآورده نماید. هنگامی که بانک‌ها این استانداردها را درون خود پیاده‌سازی کردند، امکان اتصال بانک به نظام بانکداری یکپارچه بانک مرکزی فراهم می‌شود. به بیان دیگر، اجرای دستورالعمل «نشستا»، پیش‌نیاز تکمیل «سامانه نظارت الکترونیک بانکی» (سناب) است. «سناب» در واقع امکان دسترسی آنلاین بانک مرکزی به اطلاعات مورد نیاز از شبکه بانکی را فراهم می‌آورد و انقلابی در شیوه نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی ایجاد خواهد کرد.

در حال حاضر اغلب بانک‌ها نظام بانکداری یکپارچه را پیاده‌سازی کرده‌اند (البته همه این بانک‌ها استانداردهای مورد نیاز بانک مرکزی را اجرا ننموده‌اند). لکن هنوز هیچ‌یک از بانک‌ها به «سناب» نپیوسته‌اند و لذا نظارت الکترونیک بانک مرکزی بر شبکه بانکی محقق نشده است. یکی از مهمترین شاخص‌هایی که می‌تواند میزان شفافیت نظام بانکی را بسنجد، «بخشی از شبکه بانکی که به «سناب» پیوسته‌اند» است. نسبت دارایی بانک‌های عضو «سناب» به کل دارایی شبکه بانکی، می‌تواند نشان‌دهنده این بخش باشد. طبیعتاً افزایش این شاخص نشان‌دهنده افزایش شفافیت نظام بانکی است. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه این شاخص در اختیار بانک مرکزی است و به‌صورت ماهیانه یا فصلی می‌تواند اندازه‌گیری شود.

شاخص ۲: نسبت گردش مالی مؤسسات مالی غیرمجاز به کل گردش مالی نظام بانکی

توضیح شاخص ۲: مؤسسات مالی غیرمجاز یکی از معضلات نظام مالی کشور به حساب می‌آید که معلول عدم مدیریت واحد در حوزه صدور مجوز برای فعالیت آنها بوده است. این مؤسسات با وجود اخذ سپرده‌های کلان از مردم، تن به نظارت بانک مرکزی نمی‌دهند و لذا می‌تواند محملی برای فعالیت‌های غیرقانونی مانند تأمین مالی جریان‌های خاص و یا پولشویی باشد. لذا ضروری است هرچه زودتر این مؤسسات تعیین تکلیف شده و در صورتی که صلاحیت اخذ مجوز ندارند از فعالیت آنها جلوگیری شده و غیرمجاز بودن آنها به اطلاع مردم برسد. لذا شاخص فوق می‌تواند نمایانگر موفقیت بانک مرکزی در این حوزه باشد. اولویت نخست برای شاخص‌سازی در این حوزه، حجم گردش مالی این مؤسسات و سهم آنها از کل چرخه ریالی کشور است. در صورتی که دسترسی به این اطلاعات وجود نداشته باشد، تعداد مؤسسات مالی غیرمجاز می‌تواند به‌عنوان شاخص در نظر گرفته شود. محاسبه این شاخص در دوره‌های زمانی سالیانه مناسب است.



شاخص ۳: نسبت مانده تسهیلات ثبت شده در سامانه تسهیلات بانک مرکزی به کل مانده تسهیلات سیستم بانکی

توضیح شاخص ۳: بانک مرکزی نیازمند سامانه‌ای برای نظارت بر تسهیلات بانکی است تا بتواند بر اجرای مقررات مربوط به اشخاص مرتبط، ذینفع واحد، اشخاص دارای سوءسابقه و همچنین ارائه تسهیلات بر مبنای اعتبارسنجی نظارت کند. لذا نسبت تسهیلاتی که در این سامانه ثبت شده است می‌تواند شاخصی مناسب جهت شفافیت در حوزه تسهیلات باشد. این شفافیت علاوه بر ضمانت اجرای مقررات فوق، آثار مثبتی مانند کاهش معوقات و افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها را در پی خواهد داشت. اطلاعات مربوط به صورت این شاخص به صورت آنلاین در اختیار بانک مرکزی قرار دارد، داده‌های مربوط به مخرج شاخص نیز در صورت‌های مالی سه‌ماهه بانک‌ها که در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد موجود است. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۳-۸-۴. شفافیت نظام مالیاتی

یکی دیگر از مفاسدی که در اقتصاد به وقوع می‌پیوندد فرارهای مالیاتی است که البته در این بخش فرارهای مالیاتی کلان مد نظر است. ریشه اصلی این مسئله نیز عدم شفافیت است. با توجه به اینکه در حال حاضر بخش قابل توجهی از این فرار مالیات مربوط به مشاغل است، در این قسمت شاخصی برای محاسبه تقریبی فرار مالیاتی مشاغل معرفی می‌شود. همچنین دریافت مالیات به روش علی‌الرأس نشان از عدم شفافیت نظام مالیاتی دارد و شاخص دیگری در این خصوص ارائه خواهد شد.

شاخص ۱: نسبت مالیات مشاغل به سهم آنها از تولید ناخالص ملی

توضیح شاخص ۱: این شاخص در حقیقت تلاش می‌کند با مقایسه مالیات و تولید، تخمینی از فرار مالیاتی این بخش را محاسبه کند، مالیات مشاغل به صورت مجزا در گزارش‌های مربوط به وصول مالیات ارائه می‌گردد. سهم اصناف و مشاغل از تولید ناخالص ملی نیز از منابع آماری بانک مرکزی، البته با تأخیر نسبتاً زیاد، قابل استخراج است. در نتیجه منابع اطلاعاتی مربوط به این شاخص در اختیار وزارت اقتصاد و بانک مرکزی می‌باشد و رصد سالیانه آن پیشنهاد می‌شود. اطلاعات مربوط به این شاخص دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نیستند.

شاخص ۲: نسبت مالیات وصولی به روش علی‌الرأس به کل مالیات وصولی

توضیح شاخص ۲: وصول مالیات به روش علی‌الرأس، ناشی از عدم شفافیت و ناکارآمدی نظام مالیاتی و فقدان سامانه‌های مورد نیاز جهت تشخیص مالیات افراد اقتصادی است. طبیعی است که روش

علی‌الرأس از یک‌سو باعث کاهش درآمدهای مالیاتی (عدم تحقق مالیات بالقوه) و از سوی دیگر موجب بی‌عدالتی در مالیات‌ستانی می‌گردد. بر این اساس مالیات وصولی به روش علی‌الرأس باید تا حد ممکن کاهش یابد و کاهش شاخص مزبور مطلوب ارزیابی می‌شود. منابع آماری این شاخص و دوره اندازه‌گیری آن همانند شاخص‌های فوق است.

۵-۸-۳. شفافیت گردش مالی دولت و سازمان‌های دولتی

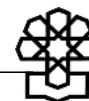
با توجه به بودجه بالای شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی، مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها بسیار علاقمند هستند که سازمان‌ها را مجاب کنند تا در مؤسسه آنها افتتاح حساب کنند تا از مسیرهای مختلف بتوانند از منابع قابل توجه سازمان‌های مذکور بهره‌مند گردند، این مسئله علاوه بر کاهش کارایی تخصیص بودجه، تشدید کسری بودجه و تورمزایی، منجر به بروز مفاسدی نیز می‌گردد. به‌منظور جلوگیری از این مسئله مقرر شده است تا سازمان‌های دولتی حساب‌های موجود خود را در بانک‌ها و مؤسسات مختلف بسته و نزد بانک مرکزی افتتاح حساب نمایند و تمامی نقل و انتقالات و پرداخت‌های مربوطه را از طریق حساب خود در بانک مرکزی انجام دهند. در این بخش شاخصی تعریف شده است تا روند این فعالیت سنجیده شود.

شاخص: نسبت بودجه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی که صرفاً نزد بانک مرکزی حساب دارند به کل بودجه تخصیص یافته به سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی

توضیح شاخص: کاهش این شاخص به معنای افزایش هرچه بیشتر شفافیت گردش مالی سازمان‌های دولتی می‌باشد. منابع آماری مربوط به این شاخص از اطلاعات بانک مرکزی و خزانه‌داری کل قابل استخراج است و محاسبه آن می‌تواند به‌صورت فصلی انجام شود. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

۶-۸-۳. شفافیت در حوزه زمین

کاداستر طرحی است که طی آن مقرر شده است اراضی شهری و روستایی کشور، از حیث مکان و کاربری، تعیین تکلیف شوند. در حال حاضر بخش اعظم اراضی کشور تعیین تکلیف نشده‌اند و انطباقی بین نقشه‌های موجود و زمین‌های موجود صورت نگرفته است، در قالب این طرح اطلاعات مربوط به زمین با اطلاعات نقشه‌های موجود منطبق می‌شود و گام بلندی در راستای جلوگیری از فساد در حوزه زمین (زمین‌خواری) که یکی از حوزه‌های بسیار مستعد برای فساد است برداشته می‌شود.



شاخص: درصد اراضی کشور که در سامانه کاداستر ثبت شده است

توضیح شاخص: هر اندازه این شاخص افزایش یابد شفافیت اطلاعات در حوزه زمین نیز افزایش یافته و از فساد در این زمینه جلوگیری می‌شود. منابع اطلاعاتی این شاخص در اختیار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است و رصد سالیانه آن مناسب می‌باشد. اطلاعات مربوط به کل اراضی کشور به صورت تخمینی در نظر گرفته می‌شود.

۷-۸-۳. اطلاع دادرسی در پرونده‌های قضایی

در مسئله فساد، چند عامل اساسی دخیل می‌باشند که از جمله آنها قدرت بازدارندگی قوانین می‌باشد. یکی از مواردی که تأثیر قابل توجهی در بازدارندگی به خصوص در جرائم اقتصادی دارد، سرعت رسیدگی به پرونده‌ها و صدور حکم نهایی می‌باشد، البته عوامل دیگر از قبیل شدت احکام صادره، احتمال کشف جرم و... نیز دخیلند، اما به جهت اینکه سنجش این مسائل به صورت کمی چندان امکانپذیر نیست در این گزارش از آنها صرف نظر شده است.

شاخص: میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌ها در مقایسه با سال پایه

توضیح شاخص: این شاخص به نحوی تعریف شده است که کاهش آن مطلوب می‌باشد، البته کاهش این شاخص ممکن است ناشی از کاهش جرم، افزایش تعداد قضاات، دادگاه‌ها و یا از طریق اصلاح قوانین و روندها به وقوع بپیوندد که هر کدام از این موارد باشد مطلوب خواهد بود. منابع آماری مربوط به این شاخص در اختیار قوه قضائیه است و محاسبه سالیانه آن پیشنهاد می‌گردد. اطلاعات مربوط به این شاخص اطلاعات دقیق هستند و مبتنی بر تخمین‌های آماری نمی‌باشند.

جمع بندی

شاخص‌سازی و رصد شاخص‌ها یکی از مهمترین مراحل سیاستگذاری می‌باشد که بدون آن نمی‌توان ارزیابی صحیحی از سیاست‌ها داشت و میزان تحقق و عدم تحقق هر یک از سیاست‌ها را بررسی کرد. همان‌گونه که در بخش‌های مختلف تدوین شاخص‌ها قابل مشاهده است، فرآیند شاخص‌سازی و رصد آنها یک فرآیند طاقت فرساست که مهمترین مانع آن عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی دقیق و شفاف می‌باشد. تجربیات به دست آمده در فرآیند تدوین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی به وضوح نشان می‌دهد که یکی از موانع اصلی پیشرفت کشور عدم جمع‌آوری صحیح و جامع اطلاعات و اطلاع‌رسانی شفاف و بدون ابهام آنها می‌باشد که در نتیجه امکان تصمیم‌گیری و بررسی آثار تصمیمات در سطوح کلان و بخشی را از بین می‌برد و موجب می‌شود که سیاستگذاران امکان بررسی سیاست‌ها و احصای مشکلات

و تلاش برای رفع آنها را تا حد بسیار زیادی از دست بدهند. به‌علاوه در فرآیند شاخص‌سازی مشاهده شد که همواره امکان استفاده از شاخص‌هایی که در سطح دنیا مطرح هستند و به‌کار گرفته می‌شوند وجود ندارد، زیرا بسیاری از مسائل به‌ویژه در مورد جمهوری اسلامی ایران ناظر به مسائل بومی کشور می‌باشد که باید شاخص‌هایی بومی متناسب با آنها تولید گردد و همواره نمی‌توان به سراغ شاخص‌های بین‌المللی رفت. با این توضیح باید یک بخش از پژوهش‌های کشور معطوف به مسائل مربوط به شاخص‌سازی و رصد اطلاعات باشد که در حال حاضر تلاش‌های انجام شده در این زمینه چندان قابل قبول نیست.

در این گزارش، شاخص‌های ساده مورد توجه قرار گرفتند که غالباً دو متغیره هستند و تفسیر و تدوین آنها ساده‌تر از شاخص‌های پیچیده و چندمتغیره می‌باشد. استفاده از این نوع شاخص‌ها برای جمهوری اسلامی ایران که گام‌های ابتدایی را در این زمینه می‌پیماید بسیار منطقی و مفید می‌باشد. اما در آینده و با پیشرفت هرچه بیشتر فرآیند شاخص‌سازی در کشور و توسعه دانش بومی در این زمینه، باید به سمت شاخص‌های پیچیده که چندین مسئله را به‌صورت همزمان در نظر گرفته و روابط بین آنها را نیز مورد توجه قرار می‌دهند حرکت کرد.

در ادامه به‌منظور جمع‌بندی و دسترسی آسان، شاخص‌های تدوین شده در جداول مختلف ارائه می‌گردد.

جداول شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

جدول ۱. اقتصاد دانش‌بنیان

زیر بخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در بین ۱۰ شرکت اول رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی	سازمان مدیریت صنعتی	سالانه	↑
	سهم صادرات با فناوری بالا و صادرات خدمات فنی و مهندسی از کل صادرات غیرنفتی	گمرک جمهوری اسلامی	سالانه	↑
	سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی	وجود ندارد	---	↑
محوریت رشد بهره‌وری در اقتصاد	نسبت نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه به نرخ بیکاری کل	بانک مرکزی و مرکز آمار	سالانه	↓
	سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی	بانک مرکزی و سازمان ملی بهره‌وری ایران	سالانه	↑
	بهره‌وری نیروی انسانی	بانک مرکزی	سالانه	↑
	بهره‌وری سرمایه	بانک مرکزی	سالانه	↑



جدول ۲. اصلاح الگوی مصرف و هدفمندسازی یارانه‌ها

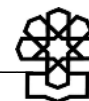
زیر بخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
اصلاح الگوی مصرف خانوار	میانگین مصرف آب و برق و گاز خانوارها	وزارت نیرو و شرکت ملی گاز	یک تا دو ماهه	↓
	انحراف معیار سرانه مصرف آب و برق و گاز خانوارها	وزارت نیرو و شرکت ملی گاز	یک تا دو ماهه	↓
بهینه‌سازی مصرف سوخت	نسبت مصرف بنزین به تعداد خودروهای فعال (سرانه مصرف بنزین)	پلیس راهنمایی رانندگی و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی	فصلی	↓
	میزان مصرف بنزین و گازوئیل به منظور حمل بار، به ازای هر تن کیلومتر جابجایی بار	ستاد حمل و نقل سوخت، شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت و وزارت راه و شهرسازی	سالانه	↓
	نسبت حمل و نقل بار از طریق جاده (بر حسب تن کیلومتر) به حجم ترانزیت ریلی	ستاد حمل و نقل سوخت، شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت و وزارت راه و شهرسازی	سالانه	↓
	شدت انرژی در بخش صنعت	مرکز آمار، وزارت نیرو و بانک مرکزی	سالانه	↓
بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های صنعت و کشاورزی	شدت انرژی در بخش کشاورزی	مرکز آمار، وزارت نیرو و بانک مرکزی	سالانه	↓
	میزان مصرف آب به ازای هر تن محصول در بخش کشاورزی	وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو	سالانه	↓
بهینه‌سازی تولید برق	تلفات تولید و انتقال برق	وزارت نیرو	سالانه	↓
	میانگین بازده نیروگاه‌ها	وزارت نیرو	سالانه	↑
	سهام انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین	وزارت نیرو	سالانه	↑
	سهام واحدهای «تولید پراکنده و همزمان برق و حرارت» از تولید برق	وزارت نیرو	سالانه	↑

جدول ۳. امنیت غذا و کالاهای اساسی

زیربخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
افزایش تولید محصولات و نهاده‌های اساسی وارداتی	نسبت ارزش واردات غذاهای اساسی به ارزش کل مصرف آنها	بانک مرکزی و گمرک	سالانه	↓
تنوع بخشی به مبادی واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی	نسبت ارزش واردات از بزرگ‌ترین مبدأ واردات غذای اساسی به ایران، به کل ارزش واردات این اقلام	گمرک	ماهانه	↓
کاهش وابستگی به کشورهای خاص در نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی	مجموع ارزش واردات نهاده‌ها و غذاهای اساسی از کشورهای خاص به مجموع واردات این اقلام	گمرک	ماهانه	↓
افزایش حجم و بهبود بازده ذخایر راهبردی غذایی	نسبت حجم ذخایر راهبردی به مصرف ماهیانه غذاهای اساسی	شرکت بازرگانی دولتی ایران	ماهانه	↑
	نسبت تعداد سال‌هایی که سیلوها امکان حفظ غذاهای اساسی را دارند، به حداکثر تعداد سال‌های خشک متوالی طی یک دوره زمانی در گذشته	شرکت بازرگانی دولتی ایران	سالانه	↑
رفع انحصار در مباحثان واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی	نسبت واردات بزرگ‌ترین واردکننده حقیقی یا حقوقی به کل واردات در هر یک از نهاده‌ها یا غذاهای اساسی	گمرک	فصلی	↓

جدول ۴. نظام پولی (ریالی و ارزی) و مالی

زیربخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
ایجاد ثبات در اقتصاد ملی (اقتصاد کلان)	نرخ تورم	بانک مرکزی و مرکز آمار	ماهانه	↓
	واریانس نرخ تورم	بانک مرکزی و مرکز آمار	ماهانه	↓
	اختلاف نرخ ارز حقیقی و نرخ ارز رسمی	بانک مرکزی و مرکز آمار	ماهانه	↓
ایجاد ثبات در اقتصاد (نظام بانکی)	متوسط نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها	بانک مرکزی	ماهانه	↑
	سود حقیقی سپرده‌ها	بانک مرکزی	سالانه	↑
	اختلاف نرخ سود سپرده و تسهیلات	بانک مرکزی	سالانه	↓
پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد (دارایی‌های ناسالم نظام بانکی)	نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه	بانک مرکزی	سالانه	↑
	نسبت مطالبات غیرجاری در کل شبکه بانکی به کل مطالبات شبکه بانکی پس از کسر مطالبات استمهال شده	بانک مرکزی	ماهانه	↓



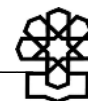
جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیربخش
↓	سه ماهه	بانک‌ها	میانگین نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام در شبکه بانکی	
↓	سه ماهه	بانک‌ها	میانگین نسبت مجموع تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط (ذی‌نفع واحد) به سرمایه بانک‌ها	
↓	سالانه	بانک مرکزی	نسبت تعداد چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله شده	پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد
↑	سالانه	سازمان بورس	نسبت تراکنش‌های ناشی از عرضه اولیه سهام و افزایش سرمایه به کل تراکنش‌ها	

جدول ۵. صادرات، مناطق آزاد و دیپلماسی اقتصادی

جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیر بخش
↑	ماهانه	گمرک	نسبت صادرات غیرنفتی و غیرمعدنی به کل صادرات	حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات
↑	ماهانه	بانک مرکزی و گمرک	حجم مبادلات مربوط به پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه به حجم مبادلات کشور	
↓	سالانه	سازمان توسعه تجارت	هزینه صادرات یک کانتینر ۲۰ فوتی بر مبنای دلار آمریکا	
↓	سالانه	سازمان توسعه تجارت	تعداد مدارک لازم برای صادرات	
↓	سالانه	سازمان توسعه تجارت	مدت روزهای در انتظار برای صادرات	
↓	سالانه	گمرک	درجه تمرکز کالاهای صادراتی	
↓	سالانه	گمرک	رابطه مبادله تجاری غیرنفتی	
↑	سالانه	گمرک	سهم کشورهای منطقه از کل تجارت ایران	
↑	سالانه	سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای	ارزش ترانزیت انجام شده از مسیر کشور	
↑	فصلی	گمرک و سازمان مناطق آزاد و ویژه	نسبت صادرات به واردات در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	
↑	فصلی	گمرک و سازمان مناطق آزاد و ویژه	نسبت صادرات از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به مجموع صادرات غیرنفتی	

جدول ۶. نفت، گاز و حوزه انرژی

زیر بخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
قطع وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی در بلندمدت	سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز	صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی	سالانه	↑
کاهش ضربه‌پذیری ناشی از درآمد حاصل از صادرات خام نفت و گاز در کوتاه‌مدت	نسبت درآمدهای نفتی غیرقابل دسترس به مجموع درآمدهای نفتی	بانک مرکزی و شرکت ملی نفت	شش ماهه	↓
بهبود فرآیندهای فروش نفت خام (انتخاب مشتریان راهبردی)	سهم خرید نفت مشتریان راهبردی از مجموع فروش نفت ایران	شرکت ملی نفت	ماهانه	↑
بهبود فرآیندهای فروش نفت خام (ایجاد تنوع در روش‌های فروش)	نسبت فروش بورسی به کل فروش نفت	سازمان بورس و شرکت ملی نفت	ماهانه	↑
بهبود فرآیندهای فروش نفت خام (ایجاد تنوع در روش‌های فروش)	نسبت حجم یا ارزش نفت فروخته شده به روش تهاوتی به کل فروش نفت	شرکت ملی نفت	ماهانه	↑
بهبود فرآیندهای فروش نفت خام (مشارکت بخش خصوصی در فروش نفت)	صادرات شرکت ملی نفت نسبت به مجموع صادرات نفت	شرکت ملی نفت	ماهانه	↓
تنوع‌بخشی به سبد صادراتی بخش انرژی به منظور کاهش سهم نفت خام	نسبت ارزش صادرات نفت به مجموع ارزش صادرات نفت، گاز، محصولات پالایشی و پتروشیمی و برق	شرکت ملی نفت، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی پالایش و پخش	ماهانه	↓
	نسبت صادرات گاز به مجموع صادرات گاز، محصولات پالایشی و پتروشیمی و برق	شرکت ملی نفت، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی پالایش و پخش	ماهانه	↓
	ارزش مجموع صادرات محصولات پتروشیمی و پالایشی و برق نسبت به یک سال پایه	شرکت ملی نفت، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی پالایش و پخش	ماهانه	↑
توسعه ظرفیت تولید (اولویت میداین مشترک)	نسبت مجموع برداشت ایران از میداین مشترک به مجموع برداشت کشورهای رقیب در این میداین	شرکت ملی نفت	سالانه	↑
	نسبت مجموع برداشت ایران از میداین مشترک به مجموع برداشت از کلیه میداین نفت و گاز کشور	شرکت ملی نفت	سالانه	↑



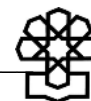
جهت مطلوب	دوره اندازه گیری	منبع	شاخص	زیر بخش
↑	سالانه	شرکت ملی نفت	حجم تزریق گاز به میادین نسبت به حجم برنامه ریزی شده	توسعه ظرفیت تولید (تولید صیانتی)
↑	سالانه	شرکت ملی پالایش و پخش	نسبت ظرفیت پالایشی به ظرفیت تولید نفت	تکمیل زنجیره ارزش افزوده (نفت)
↓	سالانه	شرکت ملی پالایش و پخش	سهم مازوت از سبد پالایشی	
↓	سالانه	شرکت ملی پتروشیمی و گمرک	واردات محصولات پتروشیمی نسبت به کل مصرف محصولات پتروشیمی	تکمیل زنجیره ارزش افزوده (گاز)
↓	سالانه	شرکت ملی پتروشیمی	نسبت صادرات محصولات بالادستی پتروشیمی به کل تولید بالادستی پتروشیمی	

جدول ۷. بودجه، هزینه های دولت و مالیات

دوره اندازه گیری	منبع	شاخص	زیر بخش
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت اعتبارات هزینه ای دولت (بودجه جاری) به کل بودجه عمومی	صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور و حذف هزینه های زائد
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت اعتبارات متفرقه به کل اعتبارات بودجه ای	
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	سهم بخش غیردولتی در تأمین مالی طرح های عمرانی	
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت زمان خاتمه طرح های عمرانی به زمان برنامه ریزی شده جهت اختتام	
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت تعداد طرح های عمرانی جدید به طرح های عمرانی تکمیل شده در هر سال	
-----	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت هزینه تمام شده به هزینه پیش بینی شده طرح های عمرانی	
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت تراز عملیاتی به بودجه عمومی دولت	اصلاح نظام مالیاتی جهت بهبود وضعیت درآمدهای دولت
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت درآمد مالیاتی به کل منابع بودجه عمومی	
سالانه	سازمان مدیریت و برنامه ریزی	نسبت مالیات وصولی به تولید ناخالص داخلی	

جدول ۸. شفافیت اطلاعات و سلامت اقتصادی

جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیربخش
↓	ماه‌بانه	بانک مرکزی	نسبت اسکناس و مسکوکات به نقدینگی	شفافیت انواع اوراق مالی
↓	ماه‌بانه	بانک‌ها و بانک مرکزی	نسبت ارزش مجموع چک‌پول و چک‌های حامل یا دارای حواله‌کرد به حجم نقدینگی	
↓	ماه‌بانه	بانک مرکزی	نسبت ارزش اوراق مشارکت بدون نام به حجم نقدینگی	
↓	ماه‌بانه	بانک مرکزی	ارزش مجموع سکه‌های طلای ضرب شده و ثبت نشده (بدون سریال) به حجم نقدینگی	
↑	ماه‌بانه	بانک مرکزی و گمرک	نسبت مجموع ارز مرتبط با واردات ثبت شده در پرتال ارزی (ارز مبادله‌ای) و سامانه سنا (ارز آزاد) به کل واردات	شفافیت نظام ارزی
↑	ماه‌بانه	بانک مرکزی و گمرک	نسبت ارز حاصل از صادرات ثبت شده در سنا به کل صادرات	
↑	سه ماهه	بانک مرکزی و بانک‌ها	نسبت مانده تسهیلات ثبت شده در سامانه تسهیلات بانک مرکزی به کل مانده تسهیلات سیستم بانکی	شفافیت نظام بانکی
↑	سه ماهه	بانک مرکزی و بانک‌ها	نسبت دارایی بانک‌های متصل شده به «سامانه نظارت الکترونیکی بانکی» (سناب) به دارایی کل شبکه بانکی	
↓	سال‌بانه	بانک مرکزی	نسبت گردش مالی مؤسسات مالی غیرمجاز به کل گردش مالی نظام بانکی	
↑	سال‌بانه	وزارت اقتصاد و بانک مرکزی	نسبت مالیات مشاغل به سهم آنها از تولید ناخالص ملی	شفافیت نظام مالیاتی
↓	سال‌بانه	بانک مرکزی	نسبت مالیات وصولی به روش علی‌الرأس به کل مالیات وصولی	
↑	فصلی	بانک مرکزی و خزانه‌داری	نسبت بودجه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی که صرفاً نزد بانک مرکزی حساب دارند به کل بودجه تخصیص یافته به سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی	شفافیت گردش مالی دولت و سازمان‌های دولتی
↑	سال‌بانه	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	درصد اراضی کشور که در سامانه کاداستر ثبت شده است	شفافیت در حوزه زمین
↓	سال‌بانه	قوه قضائیه	میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌ها در مقایسه با سال پایه	اطالعه دادرسی در پرونده‌های قضایی



- شاخص‌های منتخب

گرچه تعداد و تنوع بیشتر شاخص‌ها تصویر جزئی‌تری برای سیاست‌گذاران و تحلیلگران فراهم می‌سازد، اما هر اندازه تعداد شاخص‌ها کمتر باشد بررسی عملکرد دستگاه‌ها در حوزه‌های مختلف با سهولت بیشتری قابل انجام است، در نقطه مقابل کاهش تعداد شاخص‌ها باعث می‌شود تا مؤلفه‌های مورد سنجش به‌صورت کلی‌تر و با دقت کمتری اندازه‌گیری شود، به هر حال باید بین این دو مورد یک انتخاب منطقی صورت پذیرد. در این بخش شاخص‌های ارائه شده در بخش براساس معیارهایی کاهش می‌یابند و شاخص‌ها در دو سطح ارائه می‌گردند، البته هر دو گروه شاخص‌ها باید اندازه‌گیری شوند و هر یک از آنها در جای خود استفاده شوند. در کاهش شاخص‌ها، شاخص‌هایی که قابل تجمیع ذیل یک شاخص هستند، ذیل شاخص مذکور تجمیع شده‌اند، به‌علاوه در برخی موارد شاخص‌هایی که از اهمیت کمتری برخوردار بوده‌اند و یا سنجش آنها براساس امکانات آماری کشور با دقت مناسبی قابل انجام نیست حذف شده‌اند. البته در موارد خاصی نیز یک شاخص جدید تعریف شده است که نماینده شاخص‌های حذف شده باشد، به‌عنوان مثال در بخش بهره‌وری، که در متن از شاخص‌های بهره‌وری بخشی استفاده شده است، در بخش شاخص‌های تقلیل یافته از بهره‌وری کل استفاده شده است.

جدول ۹. اقتصاد دانش‌بنیان (شاخص‌های تقلیل یافته)

زیربخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان	سهم صادرات با فناوری بالا و صادرات خدمات فنی و مهندسی از کل صادرات غیرنفتی	گمرک و سازمان توسعه تجارت	سالانه	↑
محوریت رشد بهره‌وری در اقتصاد	سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی	بانک مرکزی و سازمان ملی بهره‌وری ایران	سالانه	↑
	بهره‌وری کل عوامل تولید	بانک مرکزی	سالانه	↑

جدول ۱۰. اصلاح الگوی مصرف و هدفمندی یارانه‌ها (شاخص‌های تقلیل یافته)

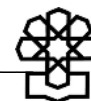
زیربخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
اصلاح الگوی مصرف خانوار	میانگین مصرف آب و برق و گاز خانوارها	وزارت نیرو و شرکت ملی گاز	یک تا دو ماهه	↓
	انحراف معیار سرانه مصرف آب و برق و گاز خانوارها	وزارت نیرو و شرکت ملی گاز	یک تا دو ماهه	↓
بهینه‌سازی مصرف انرژی	شدت انرژی	مرکز آمار، وزارت نیرو و بانک مرکزی	سالانه	↓
بهینه‌سازی مصرف آب	میزان مصرف آب به ازای هر تن محصول در بخش کشاورزی	وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو	سالانه	↓
بهینه‌سازی تولید برق	تلفات تولید و انتقال برق	وزارت نیرو	سالانه	↓
	میانگین بازده نیروگاه‌ها	وزارت نیرو	سالانه	↑

جدول ۱۱. امنیت غذا و کالاهای اساسی (شاخص‌های تقلیل یافته)

زیربخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
افزایش تولید محصولات و نهاده‌های اساسی وارداتی	نسبت ارزش واردات غذاهای اساسی به ارزش کل مصرف آنها	بانک مرکزی و گمرک	سالانه	↓
تنوع‌بخشی به مبادی واردات نهاده‌ها و محصولات غذایی اساسی	نسبت ارزش واردات از بزرگ‌ترین مبدأ واردات غذای اساسی به ایران، به کل ارزش واردات این اقلام	گمرک	ماهانه	↓
افزایش حجم و بهبود بازده ذخایر راهبردی غذایی	نسبت حجم ذخایر راهبردی به مصرف ماهیانه غذاهای اساسی	شرکت بازرگانی دولتی ایران	ماهانه	↑

جدول ۱۲. نظام پولی (ریالی و ارزی) و مالی

زیر بخش	شاخص	منبع	دوره اندازه‌گیری	جهت مطلوب
ایجاد ثبات در اقتصاد ملی (اقتصاد کلان)	نرخ تورم	بانک مرکزی و مرکز آمار	ماهانه	↓
	واریانس نرخ تورم	بانک مرکزی و مرکز آمار	ماهانه	↓
	اختلاف نرخ ارز حقیقی و نرخ رسمی	بانک مرکزی و مرکز آمار	ماهانه	↓
ایجاد ثبات در اقتصاد (نظام بانکی)	متوسط نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها	بانک مرکزی	ماهانه	↑
	سود حقیقی سپرده‌ها و تسهیلات	بانک مرکزی	سالانه	↑
	اختلاف نرخ سود سپرده و تسهیلات	بانک مرکزی	سالانه	↓



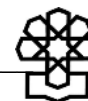
جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیر بخش
↓	ماه‌یانه	بانک مرکزی	نسبت مطالبات غیر جاری در کل شبکه بانکی به کل مطالبات شبکه بانکی پس از کسر مطالبات استمهال شده	پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد (دارایی‌های ناسالم نظام بانکی)
↓	سه ماهه	بانک‌ها	میانگین نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام در شبکه بانکی	
↓	سه ماهه	بانک‌ها	میانگین نسبت مجموع تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط (ذی‌نفع واحد) به سرمایه بانک‌ها	
↓	سال‌یانه	بانک مرکزی	نسبت تعداد چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله شده	پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد (چک برگشتی)

جدول ۱۳. صادرات، مناطق آزاد و دیپلماسی اقتصادی

جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیر بخش
↑	ماه‌یانه	گمرک	نسبت صادرات غیر نفتی و غیر معدنی به کل صادرات	حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات
↑	ماه‌یانه	بانک مرکزی و گمرک	حجم مبادلات تهاتری یا مبتنی بر پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه به حجم مبادلات کشور	
↓	سال‌یانه	گمرک	درجه تمرکز کالاهای صادراتی	
↓	سال‌یانه	گمرک	رابطه مبادله تجاری غیر نفتی	
↑	سال‌یانه	سازمان راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای	ارزش ترانزیت انجام شده از مسیر کشور	
↑	فصلی	گمرک و سازمان مناطق آزاد و ویژه	نسبت صادرات به واردات در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور
↑	فصلی	گمرک و سازمان مناطق آزاد و ویژه	نسبت صادرات از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به مجموع صادرات غیر نفتی	

جدول ۱۴. نفت، گاز و حوزه انرژی (شاخص‌های تقلیل یافته)

جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیربخش
↑	سالانه	صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی	سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز	قطع وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی در بلندمدت
↓	شش ماهه	بانک مرکزی و شرکت ملی نفت	نسبت مجموع صادرات بخش غیردولتی، صادرات تهاتری و فروش بورسی نفت به مجموع صادرات نفت	کاهش ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز در کوتاه‌مدت
↓	ماهانه	شرکت ملی نفت، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی پالایش و پخش	نسبت ارزش صادرات نفت به مجموع ارزش صادرات نفت، گاز، محصولات پالایشی و پتروشیمی و برق	تنوع‌بخشی به سبد صادراتی انرژی به‌منظور کاهش سهم نفت خام
↑	ماهانه	شرکت ملی نفت، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی پالایش و پخش	ارزش مجموع صادرات گاز، پتروشیمی و پالایشی و برق نسبت به سال پایه	کاهش سهم نفت خام
↑	سالانه	شرکت ملی نفت	نسبت مجموع برداشت ایران از میادین مشترک به مجموع برداشت کشورهای رقیب در این میادین	توسعه ظرفیت تولید (اولویت میادین مشترک)
↑	سالانه	شرکت ملی پالایش و پخش	نسبت ظرفیت پالایشی به ظرفیت تولید نفت	تکمیل زنجیره ارزش افزوده (نفت)
↓	سالانه	شرکت ملی پالایش و پخش	سهم مازوت از سبد پالایشی	تکمیل زنجیره ارزش افزوده (گاز)
↓	سالانه	شرکت ملی پتروشیمی و گمرک	واردات محصولات پتروشیمی نسبت به کل مصرف محصولات پتروشیمی	تکمیل زنجیره ارزش افزوده (گاز)



جدول ۱۵. بودجه، هزینه‌های دولت، مالیات

جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیر بخش
↓	سالانه	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	نسبت اعتبارات هزینه‌ای دولت (بودجه جاری) به کل بودجه عمومی	صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور و حذف هزینه‌های زائد
↓	سالانه	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	نسبت اعتبارات متفرقه به کل اعتبارات بودجه‌ای	
↓	سالانه	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	نسبت زمان خاتمه طرح‌های عمرانی به زمان برنامه‌ریزی شده جهت اختتام	
↓	سالانه	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	نسبت تعداد طرح‌های عمرانی جدید به طرح‌های عمرانی تکمیل شده در هر سال	
در صورت منفی بودن ↓	سالانه	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	نسبت تراز عملیاتی به بودجه عمومی دولت	اصلاح نظام مالیاتی جهت بهبود وضعیت درآمدهای دولت
↑	سالانه	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	نسبت درآمد مالیاتی به کل منابع بودجه عمومی	

جدول ۱۶. شفافیت اطلاعات و سلامت اقتصادی

جهت مطلوب	دوره اندازه‌گیری	منبع	شاخص	زیر بخش
↑	ماه‌بانه	بانک مرکزی و گمرک	نسبت مجموع ارز مرتبط با واردات ثبت شده در پرتال ارزی (ارز مبادله‌ای) و سامانه سنا (ارز آزاد) به کل واردات	شفافیت نظام ارزی
↑	سه ماهه	بانک مرکزی و بانک‌ها	نسبت دارایی بانک‌های متصل شده به «سامانه نظارت الکترونیکی بانکی» (سناپ) به دارایی کل شبکه بانکی	شفافیت نظام بانکی
↑	سالانه	وزارت اقتصاد و بانک مرکزی	نسبت مالیات مشاغل به سهم آنها از تولید ناخالص ملی	شفافیت نظام مالیاتی
↑	فصلی	بانک مرکزی و خزانه‌داری	نسبت بودجه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی که صرفاً نزد بانک مرکزی حساب دارند به کل بودجه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی	شفافیت گردش مالی دولت و سازمان‌های دولتی
↑	سالانه	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	درصد اراضی کشور که در سامانه کاداستر ثبت شده است	شفافیت در حوزه زمین
↓	سالانه	قوه قضائیه	میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌ها در مقایسه با سال پایه	اطاله دادرسی در پرونده‌های قضایی

منابع و مآخذ

۱. دانش‌جعفری، داود و شقاقی، وحید. «اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴» تهران، انتشارات نور علم، ۱۳۹۲.
۲. گزارش «بررسی نظری و روش‌شناسی شاخص‌ها»، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون نظارت، آذرماه ۱۳۸۰.
۳. گزارش «تدوین شاخص‌های نظارتی در خصوص سیاست‌های کلی بخش صنعت و معدن و تهیه گزارش ارزیابی عملکرد در بخش صنعت و معدن»، مجمع تشخیص مصلحت نظام، آبان‌ماه ۱۳۸۸.
۴. گزارش «تدوین شاخص‌های نظارتی در خصوص سیاست‌های کلی بخش حمل‌ونقل و تهیه گزارش ارزیابی عملکرد در بخش حمل‌ونقل»، مجمع تشخیص مصلحت نظام، آبان‌ماه ۱۳۸۸.
۵. گزارش «ایجاد بانک اطلاعاتی شاخص‌های حکومتی (۲): رهیافتی به مبانی نظری و شناخت ویژگی‌های شاخص‌های حکومتی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، گروه شاخص‌های حکومتی، معاونت پژوهشی، اسفند ۱۳۷۶.
۶. گزارش «پیاده‌سازی بانک شاخص‌های حکومتی (۵): رهیافتی به مبانی نظری طراحی شاخص‌های اقتصادی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، معاونت پژوهشی، اسفندماه ۱۳۷۵.
۷. گزارش «بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور ۶. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۹۱.
۸. گزارش «معافیت‌های مالیاتی و سهم آنها از کل درآمدهای مالیاتی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۰.
۹. گزارش «تحقیقات و سهم آن در تولید ناخالص داخلی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات فرهنگی، معاونت پژوهشی، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۱.
۱۰. گزارش «بهره‌وری اقتصاد ایران ۱۳۶۷ - ۱۳۸۶»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اقتصادی، اداره حسابهای اقتصادی.
۱۱. عرب مازار، عباس، گزارش «برآورد ظرفیت بالقوه اقتصادی مالیات در اقتصاد ایران»، سازمان امور مالیاتی، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی.
۱۲. گزارش «بررسی و تحلیل وضعیت علم و فناوری کشور در فناوری راهبردی میکروالکترونیک»، معاونت فناوری و نوآوری، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، آذرماه ۱۳۸۹.
۱۳. گزارش «بررسی قرض‌الحسنه در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۴. گزارش «درآمدی بر وضعیت بانک‌های کشور در پایان سال ۱۳۹۲»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونت نظارتی، ۱۳۹۳.
۱۵. سالنامه آماری ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران.
۱۶. گزارش‌های «آمار مقدماتی تجارت خارجی (ماه‌یانه)»، گمرک جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. گزارش «سالنامه تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۹۱»، گمرک جمهوری اسلامی ایران.
۱۸. گزارش «عملکرد تجارت خارجی»، سازمان توسعه تجارت ایران، دفتر برنامه‌ریزی تجاری، ۱۳۹۲.
۱۹. آمار صادرات و واردات، سازمان توسعه تجارت ایران، سال ۱۳۹۱.
۲۰. ترازنامه هیدروکربوری ۱۳۹۰، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۲۱. سایت اداره اطلاعات انرژی آمریکا (www.iea.org).



۲۲. سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)
۲۳. سایت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (www.opec.org).
۲۴. سند نقشه جامع علمی کشور، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۵. سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹.
۲۶. سیاست های کلی نظام در بخش انرژی، ۱۳۷۷.
۲۷. قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی.
۲۸. قوانین بودجه سالیانه کل کشور.
29. 'Measures of financial stability – a review', Monetary and Economic Department, Bank for International Settlements, IFC Bulletin No 31, July 2009.
30. The Global Competitiveness Report 2013-2014, World Economic Forum, 2013.
31. Knowledge Assessment Methodology 2012, (www.worldbank.org/KAM).
32. Knowledge Economy Index (KEI) 2012 Rankings, World Bank.
33. Medium-Term Oil Market Report 2014, International Energy Agency (IEA).



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۱۴۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۶. شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ویرایش اول)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی

تهیه و تدوین کنندگان: شبکه کانون‌های تفکر ایران (کارشناس شبکه: اصغر عیوضی)، سیدعلی روحانی

همکاران: حسن حیدری، حسین شمالی، سجاد حسین‌نیا، سیدمهدی بنی‌طبا، داریوش ابوحمزه
اظهار نظر کنندگان: حسین هرورانی، فاطمه میرجلیلی، علی‌اصغر اژدری، فریدون اسعدی، میثم پيله‌فروش، محمد سلیمانی

ناظر علمی: سیداحسان خاندوزی

متقاضی: کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل
چهل و چهارم

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. اقتصاد مقاومتی
۲. سیاست‌های کلی
۳. شاخص‌سازی
۴. نفت
۵. بودجه
۶. شفافیت
۷. الگوی مصرف
۸. نظام پولی و مالی
۹. امنیت غذایی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳